



گزارش نامه داخلی
دقتزده مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی رحمته الله
دو شنبه ۱ تیر ۱۳۸۸ - ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۳۰ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹
سال اول / شماره ۱۶ / صفحه
www.saanei.org & istifta@saanei.org

گزارش:

لزوم رفع اشکال تبیض

علیه زنان

محمد مشفق

۴

گزارش:

فراز و فرود اصلاح قانون

ارث بری زن از شوهر

۱۰

گفتگو:

زن و مرد در همه حقوق

برابر هستند

فهیمه خضر حیدری

۸

گزارشی از دفاتر مرجع

نواندیش شیعه به مناسبت

ارتحال معمار جمهوری

اسلامی

۱۶

امام علی فرمود:
کسی که از گذشتگان عبرت بگیرد
بصیرت پیدا می کند و کسی که
بصیرت پیدا نمود دانا می شود و
آنکه دانا شد عمل می نماید.

بررسی کوتاهی از سیره عرفانی، سیاسی امام خمینی (ره)
یادداشتی از مرجع نواندیش شیعه حضرت
آیت الله العظمی صانعی رحمته الله

امام عارفی ناشناخته

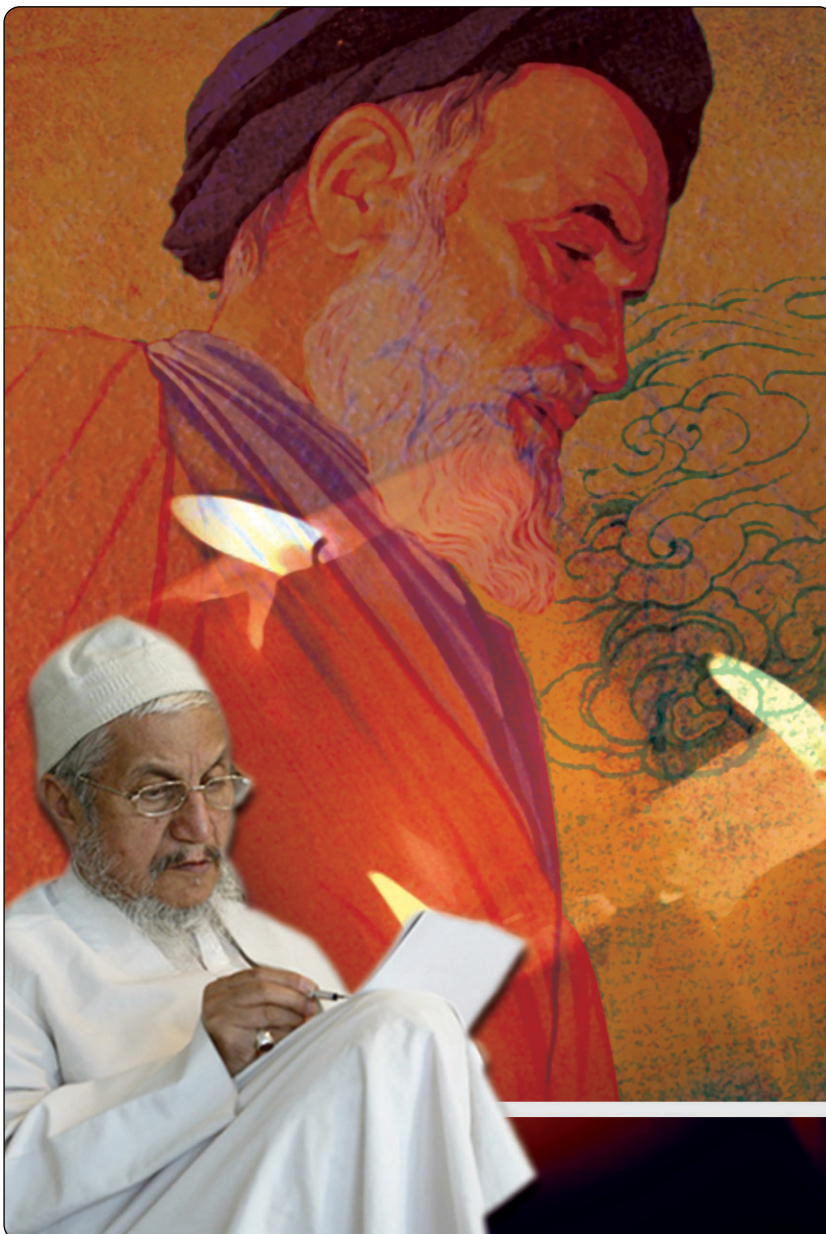
در پی درخواست دانشجویان جهاد دانشگاهی از مرجع نواندیش شیعه مبنی بر ارائه پیام برای دانشجویان و همچنین جهت چاپ ویژه نامه بزرگداشت سالگرد ارتحال امام (ره)، حضرت آیت الله العظمی صانعی طی یادداشتی از آنها خواست تا با مطالعه و ادامه خط امام، اجازه ندهند هیچ مستبدی در پهنای فکر و اندیشه آنها نفوذ نماید. متن پیام به این شرح است:

دانشجویان عزیز! فرزندان بزرگوارم

گویا قرار است که من از بعد عرفانی امام خمینی (سلام الله علیه) برای شما بنویسم و عینیات خود را از طریق سیر و سلوک و حالات مراقبه ایشان بگویم و برایتان از سالها زیستن با آن شخصیت گرانقدر و بی نظیر جهان اسلام بنویسم، اما دریغ و صد افسوس که گذر زمان و گذشت ایام چنان با سرعت سپری گشت و چنان ذهنیات ما را گرفتار درگیری و مبارزه با دشمنان دوست نما و دوستان غافل کرد که از آن همه شکوه باز ماندیم. اما اگر نبود نفس گرم و نگاه اهورایی آن عزیز، شاید توفیق سالها تدریس و خدمت نیز از ما سلب می شد.

وقتی به گذشته بر می گردم و نگاهی به برخی از حرکات و رموزات عرفانی و طریق سیر و سلوک آن عارف ناشناخته می اندازم غمگین می شوم که چرا و چگونه نگذاشتند از جویبارهای معنوی اش نوش کنم و از کوچه باغهای عرفان و بزرگی اش، خوشه ها چینم.

ادامه در صفحه ۲



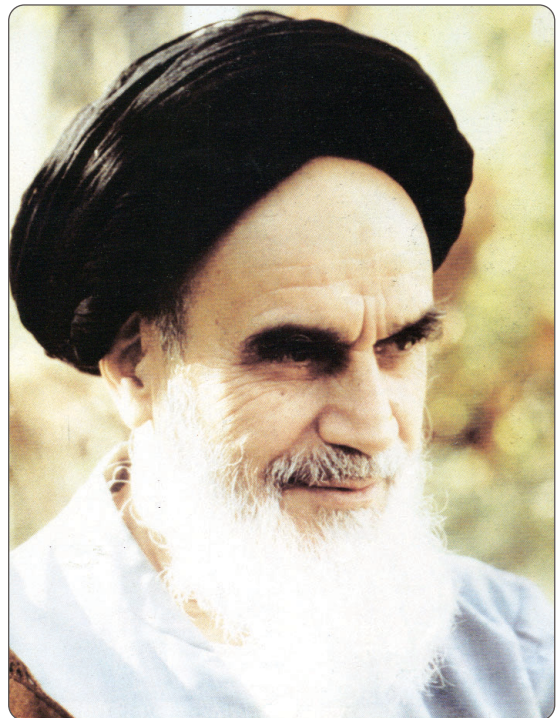
امام عارفی ناشناخته

ادامه از صفحه ۱

ما بیننده منزلهایی بودیم که آن معلم صدیق، به خوبی آن را پیمود و می دانستیم که راهی سفری است که خدای بزرگ برایش تهیه دیده و منزلگاه اصلی او قرار داده است. کمالات و بهره های منازل چندگانه آن عزیز، از چنان سروری مملو شده بود که به هر چیزی نگاه می افکندیم سرشار از جلوه جمال

آن معانی عرفانی و به مسائل روز قائل نبودند و اسلام را به یک صورت دیگری غیر صورت واقعی آن که جامع است نظر می کردند. آری امام، منزلی را انتخاب کرد که بتواند همگام با رؤیت حق و در مسیر عدالت قرار گرفتن، فقر و مشکلات طبقاتی را نیز از بین ببرد و لذا با عمل خود نیز به پیروانش فهماند که باید رو

پیروانش ساری می گردد. امام هرچه بیشتر در این اعماق پیش می رفت، قرب وصال خدا را نزدیکتر می یافت و سالکان صراط را بیشتر می شناخت و برای اینکه این مسیر را به سلامت طی طریق کند و سختی های آن را با کوله باری از عشق و دوست داشتن حق تعالی در نوردد و آنگاه توشه خود را از سلوک واقعی خاندان اهل



**مگر یکسونگران باور داشتند
که در عرصه عبودیت،
عقلانیت و شعور اجتماعی و
مدنی نیز وجود دارد، چرا که
می دیدند اکثر عارفان
گوشه عزلت گزیده اند و
ناخواسته ستم و جنایت را می
دیدند و نجات امت را در راز
و نیاز و عبودیت و عبا بر سر
کشیدن و خلق را ندیدن می
دیدند و سکوت و سکون را بر
هر حرکت دیگری که فرآیند
آن، مبارزه با ظلم و ستم باشد،
ترجیح می دادند؛**

عضو اتحادیه جهانی علمای اسلام
**امام خمینی (ره) موجب بیداری
عمومی در سراسر جهان شد**
یکی از اساتید حوزه علمیه نجف گفت: اندیشه حضرت امام (ره) نه تنها در حوزه های علمیه خارج از ایران که در قلوب تمام مسلمانان و آزادی خواهان جهان نفوذ کرده است.
حجت الاسلام محمد سعید نعمانی افزود: امام خمینی (ره) با انقلاب عظیم اسلامی در ایران موجب بیداری عمومی در سراسر جهان شد و با این حرکت تاریخی، جنبش ها و جریان های ظلم ستیز در دنیا از قوت بیشتری برخوردار گشت. وی با بیان اینکه نهضت امام خمینی (ره) معادلات تمام سیاسیون و ایادی استکبار را به هم ریخت اظهار داشت: بسیاری از کارشناسان، تحولات مربوط به مسلمانان در سده اخیر را به دو مقطع قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن تقسیم می کنند و این امر نشان دهنده بخشی از عمق حرکت امام خمینی (ره) است.
عضو اتحادیه جهانی علمای اسلام خاطر نشان کرد: طبق فرمایش آیت الله سید محمدباقر صدر، مرجع دینی علاوه بر استخراج احکام و عرضه آن به مردم، وظیفه ارشاد و به صدا درآوردن زنگ خطر در جامعه را نیز عهده دار است و این دو عنصر به خوبی در شخصیت و رفتار امام خمینی (ره) متبلور بود.
وی با اشاره به سردادن ندای وحدت از سوی امام خمینی (ره) ابراز داشت: وحدت شیعیان در وهله نخست و انسجام امت اسلامی در دایره وسیع تر از مبرم ترین نیازهای ما در شرایط کنونی است.
حجت الاسلام نعمانی یادآور شد: از یک سو حوزه علمیه قم، نقش بسیار مهم و اساسی در تاریخ معاصر ایفا کرده است و از سوی دیگر حوزه علمیه نجف نیز با تاریخ بیش از هزار سال محل رشد بسیاری از علمای بزرگ بوده است لذا همکاری های علمی بین این دو حوزه مبارکه و تاثیرگذار مفید و ضروری است.
وی به وجود مراکز اسلامی در کشورهای چون مصر، عربستان و مغرب اشاره و تصریح کرد: علاوه بر ارتباط بین مراکز شیعی باید ارتباط علمی، هدفمند و منطقی با حوزه ها و مراکز دیگر مذاهب اسلامی نیز صورت بگیرد.
استاد حوزه علمیه نجف افزود: در شرایط فعلی که مسایل زیادی فراروی امت اسلامی قرار گرفته است، این گفت و گوها می تواند نقش تعیین کننده در حل مسایل جهان اسلام داشته باشد.
وی با تقدیر از اقدامات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برای ایجاد وحدت بین علمای مسلمان گفت: این اقدامات به عنوان نقطه آغاز، بسیار خوب است اما مراکز اسلامی باید طبق برنامه برای ادامه این گفت و گوها و ارتباطات علمی تلاش کنند.

بیت (علیهم السلام) پر سازد، چنان طهارتی پیشه خود ساخت و چنان مراقبتی از نفس خویش کرد که به راحتی در حریم دلها و خانه قلبها نفوذ کرد و غبار اغیار را از اندیشه های خواستن و توانستن خویش زدود و شبانه روز به پاسداری از خویش پرداخت و به مراتب، مراقب نفس و کژراهه ها و بیراهه هایی شد که نشانش می دادند و او به خوبی آنها را لمس می کرد و پشتوانه معنوی و پناهگاه مرصوص آن نیز ذکر دعا و ورود به حرم امیر مومنان علی (ع) است، لذاست که می بینیم امام عهد کرده بود که حتما ساعاتی را در حرم مولا سپری کند و در قنوت نمازش دعاهایی را تلاوت کند که تنها از عهده مردان خدا بر می آید. یا وقتی که به مناجات می نشست و در حال مراقبه، چنان اوج می گرفت که

به خدا آورد و عاجزانه به درگاه او نالید و تمنا کرد که: خدایا ماتا تو را داریم به چه کسی پناه ببریم و از چه کسی یاری بجوئیم؟ و خدا نیز هر روز هفتاد بار بندگانش را می نگرود و در هر نگرستی با آنان سخن می گوید و آنچه را که به ماداده هفتاد برابر می کند. عزیزانم! همانطور که می دانید امام از خرمن معلم عرفان و اخلاق مرحوم شاه آبادی خوشه ها چید و خلوت درونش را مالا مال از عشق به ایمان و اعتقاد و مراقبت کرد. همو که وقتی قلم بردست گرفت تا ۴۰ حدیث را بنگارد، گویی حدیث زندگی را برای ما انشاء می کند و هرچه پیراسته تر به پاکسازی نفس خویش می پردازد و در منازل و مراحل سلوک الی الله، خویشتن را تهذیب می سازد و آنگاه تشعشات آن بر قلم جاری می شود و در دل یاران و

و جلال حق بود؛ جلوه ای که علم و منطق و دانش بشری از درک و فهم آن عاجز است و حکیمان و متألهان را از دسترسی به آن دور می سازد.
اما گستره فهم استاد بزرگ ما از چارچوب فقه و فلسفه و منطق و عرفان خارج شده بود و در عین اینکه فقیه بود، متکلم و عارف نیز می بود و به همین جهت است که هم منازل طی طریق را درک می کرد و هم نگاهی عمیق به فلسفه و تفقه در دین داشت. ولی عرفا شمول این گستردگی نبودند و گاهی راهی را می پیموندند که جز عوام فریبی و فریب افکار و اندیشه ها نتیجه ای در بر نداشت، ولی امام ما به خوبی این فهم را درک کرده بود و چه زیبا آن را به تحلیل نهشته بود. همو می گفت: عرفا اسلام را قبول داشتند، لکن تمام مسائل را بر می گرداندند به

هیچ کس و هیچ چیز را نمی دید و تنها به خدا می اندیشید و گویی او را با چشم سر می دید و تمام وجودش فریاد بر می آورد و تمنای وصل به قرب حق را می طلبید و عجز و ناتوانی خویش را می شناساند و از روی صدق و صفا، همه عالم را محضر او می دید و همگان را از معصیت در محضر او برحذر می داشت و این همان رمزی است که نصیب امام شد و توانست پیروزی خود را بر نفس ببیند و دوری خود را از شیطان درون و برون مشاهده کند.

آری، ما این همه را دیدیم و اینک با آن همه شکوه زندگی می کنیم، ولی قلم و بیان عاجز از طرح آن همه مراقبه و سیر و سلوک است.

فرزندان عزیزم!

بدون تردید عرفان امام، از برجستگی خاصی برخوردار است و من از تبیین و تحلیل آن همه راز و رمز بر نمی آیم و آنچه که قلمی شد تصویری کوچک از آن همه عظمت و بزرگی شخصیتی بود که از نزدیک دیدم و با او حشر و نشر داشتم و تلاش می کنم تا آنجا که قدرت دارم به صیانت از راه، خط و هدف امام پردازم و با تدریس و شرح بر آثار فقهی ایشان به بسط و نشر اندیشه بزرگ شان پردازم، ولی وظیفه شما به عنوان نسل تحصیل کرده و مسلمان بسیار سنگین و حساس است. شما باید بدانید که چه عواملی باعث شد تا امام نتوانست شکوه و عمق اندیشه و عرفان خویش را به خوبی نمایان سازد و اسلام را از یکسونگری و غربت نجات بخشد؟ شما باید کاملاً درک کرده باشید که چه عواملی باعث گردید تا ما بیشتر بر روی مبانی فقهی، رهبری و نهضتی که پایه گذاری کرد تمرکز کنیم؟ باید دریابید که ما از چه کسانی بیشتر ضربه خوردیم و تمام سعی و تلاشمان این شد که از اندیشه بزرگ آن بزرگمرد پاسداری کنیم و به کوتاه فکری و متحجرانه که تنها جلوی پایشان را می دیدند و فقه را در درون سینه و قفسه کتابخانه ها و چارچوب حوزه

محصور کرده بودند و از قدرت عملی و عینی حاکمیت آن عاجز بودند، نشان دهیم که حاج آقا روح الله نیز علاوه بر مبارزه با ظلم و ستم، از ویژگی های دیگری نیز برخوردار است و ما این همه را با آه و افسوس و درد جانکاهی که در سینه داشتیم حفظ کردیم تا نسل به نسل منتقل گردد.

آنهایی که تنها بعدی از اسلام را شناخته بودند آن هم به صورت ناقص، مگر می توانستند باور کنند که یک فقیه و عارفی که اهل سیر و سلوک است می تواند به مبارزه و جهاد نیز بیندیشد؟ مگر یکسونگران باور داشتند که در عرصه عبودیت، عقلانیت و شعور اجتماعی و مدنی نیز وجود دارد، چرا که سالیان سال شاهد این بودند که اکثر عارفان گوشه عزلت گزیده اند و ناخواسته ستم و جنایت را می دیدند و نجات امت را در راز و نیاز و عبودیت و عبا بر سر کشیدن و خلق را ندیدن می دیدند و سکوت و سکون را بر هر حرکت دیگری که فرآیند آن، مبارزه با ظلم و ستم باشد، ترجیح می دادند؛ و آیا این است رمز و راز خلقت انسان و آیا این است هدف از مبعوث شدن پیامبران و اولیاء الهی؟! آگاه باشید که چنین عرفان و زهدی، آدمی را از منشأ هستی دور می کند و از دنیایی که فرموده اند خانه صدق و سلامتی و مبارزه و جهاد است غافل می سازد و اینان با یک نگاه ابزاری به دنیا می نگرند در صورتی که به فرمایش امیر مومنان علی (ع) دنیا مایه بینایی و بصیرت انسان است. آدمی از همین زندگی جهانی است که خویشتن خویش را از جنبه زمینی خارج می سازد و همچون امامان مظلوم و شهید شیعه، در بطن جامعه حضور پیدا می کنند و به مبارزه با ظلم و ستم و زدودن اندیشه های باطل و خرافی می پردازند. و همینان هستند که در عین مبارزه، مراقبه خویش را نیز ترک نکرده و همچون عرفای بزرگ تاریخ اسلام شمع آجین می گردند و خریدار سر دار می شوند و به زندگی در این دنیا معنا و مفهوم می بخشند و امام خمینی (سلام الله علیه) نیز از همین طبقه برخاسته بود و آثار رحمت الهی را در همین دنیا مشاهده می کند و با زیستن در همین دنیا از کنه حقیقت عالم خلقت نیز غافل نمی گردد. لذا مبارزه با ظلم و ستم، جهل و ناآگاهی را توشه راه خود می سازد و به

بنیان نظامی می پردازد که انسان در آن کرامت داشته باشد. امام هم دنیا را می بیند و هم متوجه حضرت حق است. هم عرفان و سلوکش، او را غرق در حقیقت خلقت می کند و هم برای نجات انسانیت، ظاهر این عالم را از خود دور می سازد و جمال و جلال حق را با زیستن در میان خلق مشاهده می کند و لذت ماندن در میان آنان را با هیچ چیزی عوض نمی کند.

دانشجویان عزیز! امام خمینی، شخصیتی بود که در عصر حاضر زیست و با افکار بلند و روشن ضمیر خود چنان تحولی ایجاد کرد که پس از غیبت کبرای امام زمان (عج) نمونه آن را به این عظمت کمتر می بینیم. فقیهی که هم دارای مکتب فکری و فقهی بود و هم یک حکیم و عارف و اصولی دوراندیش و از همه مهمتر یک انسان مبارز و مجاهدی بود که هیچگاه در مقابل تندبادهای وحشی سرخم نیاورد و تسلیم ذلت و زبونی نگردید و برای احیای آرمانها و ارزشهای اسلامی و انسانی، سینه خود را سپر گلوله های سربین دشمن کرد.

عارف دلسوخته ای که در عین شجاعت و مبارزه، به سیر و سلوک می پرداخت و روح های مرده و منجمد را زنده می کرد و با نشر مفاهیم بلند فقه، اندیشه و عمل را در حوزه زندگی و فکری خود و همسنان خویش معنا و مفهومی دیگر بخشید و با سیر در فلسفه ملاصدرا و حکمت متعالیه و تدریس اسفار، فهمی دیگر از فلسفه و اندیشه در این حوزه را سامان بخشید و با تکیه زدن بر بزرگترین کرسی تدریس و رهبری بزرگترین انقلاب انسانی. اسلامی، عظمت علمی و فلسفی و ذوق اشراقی و عرفان ظلم ستیزش را به رخ تمام تاریخ کشید و فقه را به تئوری اداره جامعه تبدیل کرد و تمام معادلات قدرت را برهم ریخت و اسلام را از مرزهای جغرافیایی گذراند و به مسلمانان راه عزت، افتخار، صلابت و خوب زیستن را نمایاند و در نهایت با وصیت خویش ثابت کرد که اگر مسلمانان می خواهند با شخصیت زندگی کنند باید بر محور اهل بیت عصمت و طهارت بگردند و به حدیث ثقلین رجعت نمایند و مفاخر عالم تشیع را سرسلسله هویت خویش بدانند و نقش همیشگی خود را در مسیر حفظ و بسط عقلانیت تشیع بر تارک تاریخ نشان دهند.

بگذریم. شما عزیزان که امیدهای آینده ایران اسلامی هستید باید بیش از پیش بخوانید و بدانید تا در پهنای فهم و دانستن شما، هیچ مستبدی نفوذ نکند و هیچ دگراندیشی، افکار مسموم و غلط خود را تحمیل ننماید. بدانید که از درون عرفان، آگاهی و آزادی سرچشمه می گیرد و ارتباط با خدا، نجات انسانها را به دنبال دارد. توصیه می کنم در عین حفظ دستاوردهای علمی خود، از خویشتن غافل نشوید و آگاه باشید که رمز و راز خلقت هستی، در خوب زیستن شما نهفته است و بدانید که همراه با حفظ شعور و درک بالای پیشینیان خود مسیر عقلانیت تشیع را حفظ نمایید و بر آزادی و کرامت خدادادی خویش افتخار نمایید.

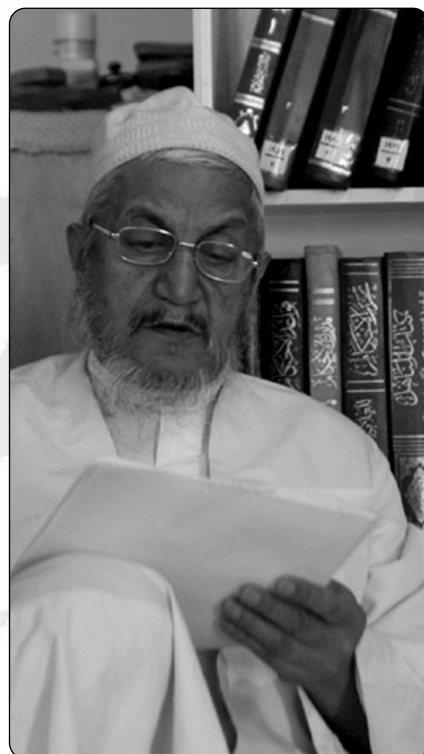
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

یوسف صانعی

خرداد ۱۳۸۸ شمسی

جمادی الثانی ۱۴۳۰ قمری

شما عزیزان که امیدهای آینده ایران اسلامی هستید باید بیش از پیش بخوانید و بدانید تا در پهنای فهم و دانستن شما، هیچ مستبدی نفوذ نکند و هیچ دگراندیشی، افکار مسموم و غلط خود را تحمیل ننماید. بدانید که از درون عرفان، آگاهی و آزادی سرچشمه می گیرد و ارتباط با خدا، نجات انسانها را به دنبال دارد.





لزوم رفع اشکال تبعیض علیه زنان

قسمت دوم و پایانی

محمد مشفق

Mohamad.moshfeghi@yahoo.com



اشاره:

نویسنده در قسمت اول این نوشته پس از توجه به ویژگیهای زمان و مکان در انتقال احکام فقهی به قوانین موضوعه، و تبیین چگونگی نابرابریهای قانونی در برخی از مناطق کشور به ابعاد منفی و مثبت نیز می پردازد و اولین تبعیض منفی، یعنی نابرابریهای مربوط به روابط خانوادگی را مورد بررسی قرار می دهد. محمد مشفق اما در این قسمت دومین تبعیض منفی و همچنین تبعیضات مثبت را مورد تحلیل قرار داده است که با هم بی می گیریم:

۲- نابرابری در عرصه حقوق فردی و اجتماعی

در این زمینه می توان به قوانین مربوط به ارث، شهادت زنان، سن مسوولیت کیفری و... اشاره کرد. به نظر می رسد در اکثر این موارد (به جز مواردی مانند سن مسوولیت کیفری) توان اقتصادی و در واقع نیروی تولید جامعه مد نظر بوده است. توضیح آنکه همان طور که گفته شد در زمان وضع این احکام در جوامع بشری با توجه به ارزش نیروی بدنی، غالباً وظیفه تولید و ارائه خدمات اجتماعی و نیروی نظامی متکی بر توان جسمانی مردها بوده و زن هادر جوامع آن زمان در عرصه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی حضور چندانی نداشتند. بنابراین در صورتی که مردی به قتل می رسید، نیروی تولید یک خانواده نابود می شد، همین

طور با ورود خسارات جسمانی به مردها یا در صورت ادای شهادت دروغ و مجازات شدن ایشان نیروی کار یک خانواده کاهش می یافت لیکن در مورد زنان چنین نبود. علاوه بر اینها به دلیل مجموع شرایط فرهنگی و سطح پایین درک و آگاهی افراد در آن زمان دیدگاه های جنسیتی با شدت زیاد بر جامعه حاکم بوده و زنان به عنوان جنس دوم در اجتماع محسوب می شدند. ولی باید دانست که امروزه زنان نه تنها در زمینه فعالیت های مختلف فردی- اجتماعی پایه پای مردها در حرکتند بلکه در برخی موارد از ایشان جلوتر نیز هستند. نمونه بارز این مدعا نسبت آمار قبولی در کنکور دانشگاه های کشورمان است که حتی با وجود اعمال برخی سهمیه بندی های جنسیتی به نفع پسرها باز هم نسبت قبولی دختران بیش از ایشان است. در این مورد می توان به بعضی از فتاوی مراجع تقلید با توجه به تحولات روز، اشاره کرد. بنابراین در چنین شرایطی قائل شدن نصف دیه مرد برای زن (موضوع مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی) و نصف دیه جنین پسر برای جنین دختر (موضوع ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی) نیازمند بازنگری است. در موارد دیگری همچون عدم برخورداری زنان از اموال غیرمنقول همسران متوفی شان یا بهره مندی نصف سهم الارث پسران برای دختران موردی را در نظر بگیریم که مردی جز زمین مال

قابل توجه دیگری نداشته باشد. حال در صورت فوت این مرد و لایالی بودن فرزندانش، همسر وی پس از سالیان طولانی زندگی مشترک چاره بی جز آواره شدن نخواهد داشت حتی اگر ارزش زمین های مرد میلیاردها باشد چون مطابق قوانین موجود زن از زمین ارث نمی برد (خوشبختانه در مورد برابری دیه زن و مرد و ارث زنان تحولات مثبتی رخ داده است).

تبعیضات مثبت

در بحث تبعیضات مثبت این نکته حائز اهمیت است که زنان در مقابل امتیازاتی که در این زمینه به دست می آورند چه حقوقی را از دست می دهند. در این مورد می توان مواردی همچون مهریه و نفقه و اجرت المثل را عنوان کرد. مطابق قوانین فعلی میزان مهریه زن هنگام عقد ازدواج باید مشخص باشد و اگر به هر دلیلی میزان مهر مشخص نشده یا چیزهایی به عنوان صداق قرار داده شده که ارزش مالی نداشته باشد، برای زن مهرالمثل (یعنی میزان مهری که در عرف، دخترانی مانند دختر عقد شده دارند) تعیین می شود. همچنین در طول زندگی مشترک و نیز ایام عده طلاق رجعی مرد مکلف به پرداخت مخارج همسر

خویش است. علاوه بر اینها هنگام طلاق حقی به عنوان اجرت المثل فعالیت هایی که زن در طول زندگی انجام داده (خانه داری) برای وی وجود دارد. در وهله نخست شاید به نظر آید حقوق بسیاری در خانواده برای زنان تعیین شده است. و بعضاً برخی افراد محافظه کار برای جلوگیری از هرگونه تغییر و حفظ نابرابری ها چنان این امتیازات را بزرگ جلوه می دهند که گویی با وجود آنها دیگر هیچ مشکلی برای زنان باقی نمانده ولی آنچه در واقعیت دیده می شود غیر از این است. زنان در مقابل دریافت مهریه حقوق ابتدایی انسانی خویش را از دست می دهند. مواردی همچون از دست دادن حق طلاق و تمکین اجباری در مقابل

باید دانست که امروزه زنان نه تنها در زمینه فعالیت های مختلف فردی- اجتماعی پایه پای مردها در حرکتند بلکه در برخی موارد از ایشان جلوتر نیز هستند. نمونه بارز این مدعا نسبت آمار قبولی در کنکور دانشگاه های کشورمان است که حتی با وجود اعمال برخی سهمیه بندی های جنسیتی به نفع پسرها باز هم نسبت قبولی دختران بیش از ایشان است.

استفتاء

شرطیت رشد
در قصاص

محضر مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی صانعی (مد ظله العالی)

سؤال: در قصاص جانی، بلوغ جانی در هنگام جنایت شرط می باشد و یا رشد او؟ آیا در مواردی که قتل پس از بلوغ جانی واقع گردیده ولی به نظر کارشناسان، رشد محقق نشده باشد، قصاص جانی جایز است؟ ملاک و معیار رشد چه می باشد و تشخیص آن به عهده کیست؟ در موارد اختلاف در رشد جانی، تکلیف چیست؟

ج: اگر چه به نظر این جانب، آن چه در باب قصاص معتبر است، عقل و رشد است و بلوغ موضوعیت ندارد (بحث فقهی و تفصیلی آن در کتاب القصاص شرح "تحریر الوسیله" امام سلام الله علیه بیان گردیده است) و بناءً علی هذا قصاص قاتلی که در زمان قتل، کمتر از هجده سال داشته باشد، جایز است و حق اولیای دم باید رعایت شود. لکن اگر نظر دانشمندان جرم شناس و علوم اجتماعی و روان شناسان و... که کارشناس و خبره در رشد میباشند -

بر عدم رشد و آگاهی و درک کامل آنان باشد (به این معنی که درک و توجه به جوانب قتل را در آن ها کمتر از متعارف و کسانی که بالای سن هجده سال هستند، بدانند) نمی توان آنان را به خاطر عدم رشد که علامه در "تحریر" هم آن را در قصاص معتبر دانسته قصاص نمود. آری اگر اولیای دم بتوانند رشد آنان را اثبات نمایند، حق قصاص برایشان ثابت می باشد و ناگفته نماند که اگر برای قاضی محکمه شبهه عدم رشد در موردی خاص و یا به طور کلی (به خاطر عدم قیام حجت شرعی بر رشد آنها و عدم اطمینان به رشد آنها) وجود داشته باشد، قاضی نمیتواند حکم به قصاص نماید و حکمش غیر جایز و حرام می باشد؛ چون احتیاط در دماء شرعاً و عقلاً واجب است.

تحکیم تبعیضات منفی است و در واقع این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به نظر می رسد با توجه به تعهدات دولت ایران در اعلامیه ها و کنوانسیون های جهانی و تعهداتی که هر دولتی به موجب حقوق عمومی در مقابل ملت خویش دارد، جایگزینی حقوق برابر برای زن و مرد به جای تبعیضات موجود در عرصه حقوق فردی و اجتماعی و نیز خانوادگی و رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات موجود باشد. در پایان شایان ذکر است با توجه به نظرات برخی فقها و نیز فتاوی ارزشمند مراجع تقلید از جمله آیت الله صانعی در حیطه فقهی و نیز عملکرد و نظرات مجمع تشخیص مصلحت نظام طی سالیان گذشته در حل تعارضات میان احکام شرعی و قوانین مورد نیاز جامعه در حیطه سیاسی، در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت که آنچه در این گفتار مطرح شده نه تنها غیر شرعی نیست بلکه تلاشی است در جهت حفظ حریم دین از ضربات ناشی از ناهماهنگی و تعارض میان برخی از احکام شرعی فرعی (که اصولاً جزء ذات دین نبوده و تغییر آنها مغایرتی با اهداف دین ندارد) با ضروریات مورد نیاز جامعه.

* کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلام
منبع: روزنامه اعتماد ۷ بهمن ۱۳۸۷

سستی برخی خانم ها و انتخاب مسیر راحت تر خانه داری به جای فراز و نشیب های زندگی سالم اجتماعی باعث شده بسیاری از زن ها به طور طبیعی تحت سلطه اقتصادی همسران شان زندگی کنند و در تصمیمات مهم زندگی در بهترین وضعیت، تنها طرف مشورت قرار گیرند. قابل توجه آنکه در برخی مواقع زنان پس از از دست دادن همسران شان بالاخص در میانسال (به دلایلی مانند طلاق یا فوت همسر) بدون داشتن مهارت یا سابقه شغلی و نیز مزایای اجتماعی از جمله خدمات تامین اجتماعی یا حقوق بازنشستگی در جامعه رها شده و ایشان که تا چندی پیش خود خانم خانه بی بودنده ناچار به افرادی نیازمند به کمک دیگران تبدیل می شوند. حال آنکه حضور در جامعه و انتخاب شغل مناسب از طرف هر فرد (بدون توجه به جنسیت وی) علاوه بر رفع این گونه مشکلات، موجبات رشد فکری و اعتلای شخصیت افراد را فراهم می آورد.

با توجه به آنچه گفته شد، نظام حقوقی خانواده در قوانین موجود به منظور ایجاد موازنه میان حقوق و تکالیف زوجین، تبعیضات و نابرابری های مثبت و منفی را در مقابل یکدیگر قرار داده و به ظاهر این موازنه ناعادلانه را برقرار ساخته است. بنابراین وجود تبعیضات مثبت عامل

شوهر از نتایج مستقیم نظام مبتنی بردیافت مهریه است و نابرابری های دیگری مانند لزوم تأیید شغلی که زن برای خود انتخاب کرده و نیاز به اجازه شوهر جهت خروج از کشور از تأثیرات غیر مستقیم این به اصطلاح امتیاز (مهریه) است. توضیح آنکه نظام حقوقی خانواده در شرایط کنونی مبتنی بر پرداخت مهریه از جانب مرد و تمکین از جانب زن است و به دلیل آنکه مرد موظف است مهریه را به صورت تمام و کمال پرداخت کند زن نیز موظف به تمکین اجباری است، بنابراین حق طلاق در این وضعیت برای زن معنایی پیدا نمی کند و به منظور جلوگیری از ورود خلل به حق مرد هرگونه عدم حضور زن مانند خروج از کشور یا شاغل بودن باید با اجازه یا صلاح دید مرد انجام پذیرد. از طرفی دیگر پرداخت مایحتاج زندگی زن (نفقه) توسط شوهرش نیز در همین نظام معنی پیدا می کند چه اینکه لازمه تمکین، ادامه بقاست و به همین جهت مرد موظف به تامین نیازهای معیشتی همسر خویش است و تعهد زن در عقد نکاح تنها تمکین است، نه چیز دیگری. در این شرایط ممانعت برخی از مردان از شاغل بودن همسران شان به این عنوان که ایشان مخارج زندگی را می پردازند و دیگر نیاز به کار کردن زن ندارند و همچنین کاهلی و

حکایات

مناظره علامه حلی

سلطان و در پایان مناظره با علماء، خطبه بلیغی در بیان اثبات مذهب شیعه امامیه، ایراد نمود و چون بنام های مقدس چهارده معصوم علیهم السلام رسید؛ علاوه بر پیامبر صلی الله علیه و آله بر همه آن بزرگان صلوات فرستاد. در این موقع سیدی از اهل موصل. که شخصی ناصبی و از دشمنان خاندان رسالت بود. برآشفتم و خطاب به علامه گفتم: شما شیعیان، چه دلیلی دارید که بر غیر پیامبر، صلوات و درود می فرستید؟ علامه بدون تأمل فرمود: دلیل ما این آیه قرآن است که خداوند می فرماید: (الَّذِينَ آذَوْا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا لَئِيهٍ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ). (کسانی که هرگاه مصیبتی به آنها می رسد، می گویند: ما از آن خدائیم و

زمانی که، به سلطان محمد خدابنده، نوه هلاکو خان مغول، اطلاع دادند: علاوه بر چهار مذهب اهل تسنن، مذهب دیگری بنام شیعه، در بین مذاهب اسلامی وجود دارد؛ و رهبر آنان علامه حلی، یکی از مجتهدین و نامداران این فرقه در شهر حله عراق، زندگی می کند؛ او تصمیم گرفت که علامه حلی را به سلطنتیه قزوین که مرکز حکومت وی بود دعوت کند. مجلس و محفلی تشکیل داده و علامه را با بزرگان اهل تسنن، مواجه ساخت. هنگام مباحثه، علامه بر همه علماء غلبه یافت و در نتیجه شاه و تمامی درباریان به مذهب شیعه گرویدند و اسامی ائمه معصومین علیهم السلام را بر سکه ضرب نموده و در خطبه ها قرائت کردند. روزی علامه حلی، در مجلس



گزارشی از نظریات و زندگی آیت الله العظمی صانعی

در جستجوی فقه امروز

میثم محمدی

(قسمت دوم و پایانی)



گزارش یک تغییر

بحث بر سر احکام جدید آیه الله العظمی صانعی امروز به صورت شایع رواج دارد و یا گفتوگوهای طبقات مختلف جامعه ایران، به آن پرداخته می شود؛ از صحبت های جوانان (دانشجویان، کارگران، بیکاران، طبقه متوسط) و محافل مشخص غیر دینی و اشخاص غیر مذهبی و یا مذهبی گرفته تا گفت وگوهای سیاستمداران، متفکران، و یا حکمرانان جامعه اسلامی ایران، به بحث درباره احکام او می پردازند آیه الله العظمی صانعی، نظرات جدیدی راجع به بازی بازیگران زن در برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی دارد. شایع شده بود که بنابر نظر جدید او، زنان می توانند در فیلم ها بازی کنند. البته این نظر بعدها بدین صورت تصحیح شد: نمایش زن مسلمان بی حجاب در فیلم ها در صورتی که بیننده آن مردها باشند جایز نیست و نمی توان به خاطر ضرورت نقش، حکم به جواز داد. چون این گونه ضرورت ها، ضرورت هایی است که خود به وجود آورده و با تغییر نقش از بین می رود (سایت گویا ۱۳۸۱/۵/۲۹). بخشی از مردم عقیده دارند آیه الله العظمی صانعی به مشکلات مقلدان خویش توجه دارد بدین دلیل به احکام جدید نوگرایانه روی آورده است این امر جدای از صحت و سقم آن به شدت در محافل محاوره ای ایرانیان جا افتاده و مردم در مورد آن با آب و تاب فراوان سخن می گویند. چیزی که در این میان کمتر مطرح می شود مبانی فقهی این احکام جدید است این چیزی است که در میان علمای دیگر هم زیاد در مورد آن بحث نمی شود در این میان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با صدور بیانیه ای اعلام کرده که فتاوی جدید آیه الله العظمی صانعی مورد انتقاد جدی آنان است و حتی در جزوه ای این نقدها را منتشر کردند نوک پیکان انتقادات فقهی اعضای جامعه مدرسین، مبانی فقهی آیه الله العظمی صانعی را نشان رفته بود یعنی مبانی و منابعی که خود آیه الله العظمی صانعی طی ۲۵ سال تدریس و تحصیل مداوم با رشد فکری، و عقیدتی خاص به آنان دست یافته بود این آغاز یک چالش جدی میان طیف نوگرا و نواندیش حوزه با علما و مجتهدان سنت گرایی بود که به روشنی از تقابلات فکری و تکررات اندیشه فقهی دوگانه در حوزه علمیه امروز ایران خبر می داد در حقیقت این را باید گفت که احکام دینی جدید آیه الله، شامل تمام طبقات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و در هر درجه و مدل و تیپ محفلی و غیر محفلی و مذهبی و غیر مذهبی و حکومتی و غیر حکومتی، می شود و بدین دلیل است که اگر در جلسه ای سخن از هیچ شخصیت دینی و مذهبشناس مشخصی نمی برند، نام آیه الله العظمی صانعی را ذیل تعریف یک شخصیت مذهبی نوگرا به کار می برند، احکام او در حوزه ولایت فقیه، موسیقی، زن، سن تقلید،

مرجع تقلید، کافران، قانون مداری و ... مناقشات و تاثیرات بسیار زیادی را در حوزه عمومی اجتماعی باعث شده است، زیرا چنانکه پیشتر هم گفتیم، این دستورات دینی در تعامل صریح با خواست های مردمی و در حقیقت تدوین کننده و تقویت کننده آنها است، مسائل اجتماعی نظیر تک خوانی زن و یا رقص جوانان با موسیقی پاپ که در مجالس خصوصی و مراسم پرسر و صدای ایرانیان جایگاه قابل توجهی را به خود اختصاص داده، مشمول احکام فقهی جدید آیه الله صانعی شده است.

وی در فتاوی جدید خود یک نگاه نوین و نظر گشوده به صحنه اجتماع ایرانی داشته است: صوت زن فی حد نفسه حرام نیست لکن رعایت عفاف و ستر در زن لازم است و هر امری که سبب از بین رفتن مستوری و عقیفه بودن زن گردد نباید انجام گیرد و ترک آن لازم است ضمن اینکه محتوای خوانندگی هم (چه در مرد چه در زن) نباید باطل باشد (سایت گویا ۱۳۸۱/۵/۲۹). رقص فی حد نفسه، چنانچه حرام دیگری مانند ترویج باطل و ترویج طاغوت و اختلاط مرد و زن را در پی نداشته باشد نمی توان گفت حرام است (سایت گویا ۱۳۸۱/۵/۲۹).

این گونه می شود که مردم مرجعی دینی را در نزدیکی خود، حس می کنند و او را از نزدیک در جریان مسائل اجتماعی روز می یابند فتاوی جدید آیه الله را در دو حوزه می توان بررسی کرد و تاثیراتش را بر نهاد اجتماعی سنجید:

۱. حوزه سیاسی، اجتماعی.

۲. حوزه خصوصی. در حوزه نخست تاکید وی بیشتر بر موضوعاتی از قبیل احترام به قانون، چگونگی برپایی نماز جمعه، چگونگی امر به معروف و نهی از منکر، و شرایط مرجعیت دینی است در حالی که در اکثر موارد، مراجع تقلید در باب مسائل سیاسی اجتماعی حکم به قواعد حکومتی می دهند، ایشان تاکید اصلی خویش را بر قدرت قانون و برتری قوانین مصوب مجلس شورا گذارده است. نوع مدل مو برای پسران و آرایش به شکل های گوناگون و یا نوع پوشش پسران و دختران (از حیث رنگ و مدل و نه حدود شرعی حجاب) و استفاده از نوع حجاب برای دختران (مانتو، مقنعه و چادر و ...) همه اینها انتخابش با خود اشخاص است و جزء مجرمات شرعی نیست و مباح و جایز است و محدود نمودن شرعی آن فی حد نفسه غیر جایز و افتراء علی الله است. اجبار بر یک نوع آن هم تصرف در امور شخصی افراد می باشد. این موارد می تواند در صورت تشخیص نمایندگان مردم در مجلس به صورت قانون در بیاید و جلوگیری شود، مصالح جامعه و مفاسد آن

در نظام جمهوری اسلامی تابع تشخیص و تصویب شورا) یعنی نمایندگان منتخب مردم در مجلس است.

او به این شکل اعلام کرده که هرگز حکمی در جامعه اسلامی برتر از قانون مصوب نمایندگان مردم نیست، احکام اسلامی نمی تواند در قضایای میان کارگر، و کارفرما دخالت کرده و به نفع یکی از آنها عمل نماید این امر فقط در حیظه وظایف مجلس شورای اسلامی است. هیچ کس حق سؤال و تفتیش و تفحص و تجسس از افراد مانند پسر و دختر و یا مرد و زنی که در ملاء عام راه می روند نداشته و الزام آنان به نشان دادن مدرک محرمانه که دخالت در سلطه دیگران است حرام و غیر جایز است، به جز تصویب قانون توسط نمایندگان مجلس در آن مورد. این موضوع از مباحث موکد و توصیه شده آیه الله امام خمینی رهبر فقید انقلاب ایران نیز بود، ایشان در اکثر موارد، بر نقش و تأثیر عمیق مجلس تاکید می کردند. امروز آیه الله العظمی صانعی نیز چنین رفتار می کند اما بر آیند این رویه او در برابر چیست؟ چه جریانی باعث شده او به عنوان یک مرجع دینی و حاکم بر کنش های مذهبی تابعان خود در جامعه اسلامی به چنین الگوپردازی ای بپردازد؟ چه مسئله ای باعث شده یک مرجع دینی به طور مشخص و با تاکید آشکار، بر رای و نظر مردم و نقش پارلمان در جمهوری اسلامی پای بفشارد؟ بی شک این احکام از ابزارهای اولیه ای است که یک مرجع دینی با احکام مذهبی خویش از تک صدا شدن جامعه و خود رأیی، مانع می شود. هر مجتهدی که جامع شرایط باشد، منصوب برای ولایت است و نسبت به مردم، مشروعیت اجرا در مصالح عامه که اسلام حکم خاصی ندارد، منحصرأ با مردم و نظر اکثریت و توده آنان است و مشروعیت، منوط به آرا و رضایت آنان به طور کلی و یا از طریق اکثریت است و دستور اجرای آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم با ولایت فقیه است. همچنین توصیه دیگر وی رعایت اخلاق دینی جامعه مذهبی است. این امر به خصوص به رفتار ائمه جمعه که نماز جمعه را برپا می

دارند، باز می‌گردد: نماز جمعه واجب تخیری است اما باید توجه داشت که نماز جمعه برای خدمت به اسلام و مسلمین و مرکز تقوا و هدایت به تقوا است و هرگاه نماز جمعه ای نفوذ بالله محل غیبت و بدگویی پشت سر افراد شود و یا از اجتماع آن برای کوییدن افراد و یا اصولاً جناحی و خطی غیر از خط اسلام و حاکمیت مردم یعنی جمهوری اسلامی سوء استفاده شود نباید در آن نماز جمعه شرکت کرد و اگر نگوئیم که از باب تقویت ظلم و اعانه بر اثم حرام است، که هست قطعاً نماز ظهر هم باید به تنهایی برگزار شود و در چنان نماز جمعه ای شرکت نکرد. مرجع ۶۵ ساله امروز که احکامش به نوعی مشام جوانان جامعه را بیشتر نوازش داده تا پدران آنها را، بر هر سه مولفه شریعت به یکسان پای فشرده است. او در رساله توضیح المسائل خود به تعریف اعتقادات دینی

مشروع و یا عدل از دواج دائم قرار گرفتن. بنابر این برای کسانی که همسرشان در اختیار آنهاست و می‌توانند غریزه جنسی را به وسیله همسر اطفای نمایند، عقد موقت ولو نسبت به زن مسلمان به نظر اینجانب محل اشکال، بلکه محکوم به منع و عدم جواز است.

در حوزه اجتماعی یا شخصی، احکام مرجع روشن فکر ایرانی نمود بارزی می‌یابد دستورات دینی آیه الله العظمی صناعی در مورد زن و نگاه نوین او به نقش زن در اجتماع ایران به شکل گیری آراء جدید دینی وی انجامیده است. شاید بتوان در این حیطه، احکام مذهبی آیه الله العظمی صناعی را نوعی حمایت نوین اسلامی از زنان در اجتماع دانست. این تاثیر عمیق با توجه به این امر از یابی می‌شود که امروز جامعه جهانی نسبت به نگاه فقه اسلامی به جنس مونث دچار تردید است و آن را نوعی بی‌عدالتی در حق

بخشی از مردم عقیده دارند آیه الله العظمی صناعی به مشکلات مقلدان خویش توجه دارد بدین دلیل به احکام جدید نوگرایانه روی آورده است این امر جدای از صحت و سقم آن به شدت در محافل محاوره ای ایرانیان جا افتاده و مردم در مورد آن با آب و تاب فراوان سخن می‌گویند. چیزی که در این میان کمتر مطرح می‌شود مبانی فقهی این احکام جدید است این چیزی است که در میان علمای دیگر هم زیاد در مورد آن بحث نمی‌شود



فرض رعایت شرعی امور جنسی آن مانعی ندارد: اگر پدری فرزند خود را به قتل برساند مادر نمی‌تواند او را قصاص کند و بالعکس چون هر دو به دلیل عدم حق من راسه، با هم تفاوتی ندارند، تفاوتی بین پدر و مادر نیست. تحصیل علم و اجتهاد را نمی‌توان مخصوص مرد دانست چرا که همه انسانها به کسب علم تشویق شده اند آنان می‌توانند تمام مسائل و مراتب قضاوت، مرجعیت ولایت و رهبری را دارا گردند. می‌توانیم به جرات بگوئیم که تا پیش از این چنین نظراتی به جایگاه و موقعیت زن در فتوهای عالمان شیعه دیده نشده بود و مرجع تقلید امروز جوانان، با تمام مشکلات و سختی‌های که این راه صعب و پرسنگلاخ فقه اسلامی پیش رویش گذارده، به این مهم دست یافته است نظرات دیگر آیه الله در خصوص کفار و موسیقی نیز درجه ای از دید روشن عالمانه را دارا است. حرمت موسیقی و غنا، حرمت محتوایی است و هر صوت و غنا و موسیقی ای که در آن ترویج بی بند و باری و بی‌عفتی و به انحراف کشیدن انسانها نباشد و چهره اسلام را بد نشان ندهد، حرام نیست. ایشان در مورد کفار معتقد است: طهارت آنان، همانند طهارت مسلمانان است آری! حربی آنان که به دلیل خود اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان می‌جنگند (نه به سبب جهات دیگر) معاند دینی هستند، همانند اندکی از بقیه کفار که با یقین به حقانیت اسلام، باز منکر آن هستند، محکوم به نجاست اند.

پایان یک گزارش

هنگامی که شما در مورد بالاترین مرجع و منبع مذهبی در کشوری سخن می‌گویید باید مراقب تمام گفته‌های خود باشید. آن هم زمانی که این گزارش در ایران به انجام می‌رسد باید از نوع کلمات و عبارات خاصی استفاده کنید که نگویند به جنبه دینی و مذهبی مرجع اسلامی لطمه ای وارد شده است. آیه الله العظمی صناعی به طور معمول ملاقات کنندگان فراوانی دارد که همه آنان کم و بیش از طبقات متمایز علمی، سیاسی هستند. او از معدود مراجعی است که میهمانان خارجی برجسته ای دارد و در منزل خویش مطابق با اصول اسلامی از آنان پذیرایی می‌کند. روش آیه الله مبتنی بر حفظ احترام تمام و کمال انانی است که ممکن است با تفسیر عقاید دیگر، و یا از نظرگاه شخصیتی دیگران کافر و یا نجس به شمار آیند میهمان نوازی شخص آیه الله نقطه اوج تلاقی فرهنگ ایرانی و تربیت اسلامی است، او در تمام دیدارهای خارجی اش جلسه را با بذله گویی خاص محلی اش آغاز می‌کند سخنرانی‌ها و پیامهای مختلف آیه الله به طور معمول و تاکنون با جریان اصلاح گری در ایران همراهی و همراه بوده است.

به واقع می‌توان گفت وجود چنین مرجع تقلیدی در بالاترین لایه مذهب رسمی ایران، به نوعی حالت گرانیگاه تخصصی را برای طیف اصلاح طلب و همچنین توده مردم ایران به وجود آورده است.

گرانیگاهی که اینک هم و غم خویش را مصرف به حل و فصل ابعاد مسئله آفرین فقه اسلامی در جهان کنونی نموده است. ابعادی که در مسائل کافران، زن و آزادیهای اجتماعی به مهمترین دستاویز، و بزرگترین توجیه متفکران غیر مذهبی تبدیل شده است. اما آیا احکام نوین آیه الله العظمی صناعی توانسته نگاه متفکران غیر مذهبی و حتی مذهبی درباره حاکمیت فقه اسلامی را درگون سازد؟

زن می‌بیند در این زمان، آیه الله العظمی صناعی، عزم خود را جزم نموده، احکام دینی نوین خود را بیش از هر چیز به مسئله زن در اسلام اختصاص می‌دهد. اعتقاد وی درباره زمان بلوغ دختران، توانایی مرجعیت، ولایت، قضاوت برای زن مسلمان و دیگر دستورات دین حاکی از نظر روشن بینانه او نسبت به زنان در جامعه اسلامی است. ایشان درباره بلوغ دختران، نظر موقه عمار ساباطی که شرط سنی را سیزده سال قمری می‌داند، ترجیح داده در صورت عدم احراز سایر علائم بلوغ که نصوص و فتاوا متعرض آنهاست، در این سن (سیزده سالگی) به تکلیف می‌رسند. آیه الله العظمی صناعی درباره تفاوت دیه زن و مرد می‌گوید: دیه خطا و شبه عمد زن و مرد، مساوی است و این حکم، مستفاد از اطلاق ادله دیه است: یا به این احکام توجه کنید: بلند گذاشتن ناخن زن فی حد نفسه مانعی ندارد بلکه به عنوان زینت در اخبار آمده است. بازیگری زنان در نقش مردان و بالعکس که دارای غرض عقلائی مشروع می‌باشد با

شعائر و مناسک دینی و گوشه ای از اخلاقیات دینی، پرداخته است که نمودش را در احکام امر به معروف و نهی از منکر، حکم متعه، و برپایی نماز جمعه و شرایط مرجعیت می‌توان دید... شرط، عدالت و اعلیت و محب دنیا نبودن است اگر مرجعی با مسئولان اختلاف نظر دارد و یا حتی موافق نظام نیست، مورد تقلید است اگر عدالت و اعلیت و ورع در او جمع باشد دیدگاه فقیه در مورد مسائل فقهی و احکام الهی برای خودش و مقلدانش حجت است اما در مسائل دیگر و نظریات موضوعی مختلف رای او یک نظر زیادتر محسوب نمی‌شود و فقیه مثل بقیه صاحب نظر هاست.

در برابر خانم‌هایی که موی سر خود را بیرون می‌گذارند، با توجه به عدم تاثیر، حتی وظیفه نصیحت هم نیست چه رسد به بقیه مراتب نهی از منکر بر افراد ذی نفوذ که اگر احتمال تاثیر می‌دهند جلوگیری کنند. و یا اساساً عقد موقت در اسلام برای رفع ضرورت است، نه عیاشی

حاج آقا در جریان هستید که اخیرا مباحثی درباره تغییر بعضی قوانین مربوط به زنان مطرح شد و حتی موضوع به مجلس هم رسید. با توجه به نظرات متفاوت جنابعالی به عنوان مرجع تقلید شیعیان، در باب حقوق زنان، خدمتان رسیده‌ایم تا مروری بر نظریات شما در این باب داشته باشیم و بحث را با نگاهی اجمالی به مسئله نابرابری دیه زنان و مردان آغاز کنیم.

اعوذبالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. بنده البته بحث تفصیلی دیه زن را و اینکه برابر است با دیه مرد در جزوه‌های فقه و زندگی آورده‌ام و همین طور ادله طرفین را چه آنها که می‌گویند برابری هست و چه آنها که می‌گویند نیست. اما به طور اجمال باید خدمتان عرض کنم که اختلاف دیه زن و مرد خلاف اصول و قواعد اسلامی است و اگر هم کسی بگوید که دیه زن نصف دیه مرد است که خیلی از بزرگان هم فرموده‌اند و معذور هم بوده‌اند چون اجتهادشان به آنجا رسیده بوده، خلاف قواعد اسلامی گفته‌اند. چون از اصول و ضوابط اسلامی و انسانی این است که زن و مرد هر دو مثل هم و انسانند و خدا درباره آفرینش هر دوی آنها به خودش "فتبارک الله احسن الخالقین" گفته است. خداوند در سوره مومنون می‌فرماید ما یک آفرینش دیگری آوردیم که همان روح انسانی است و آفرین بر خدایی که انسان را آفرید. پس خداوند هم برای آفرینش مرد به خودش آفرین گفته و هم برای آفریدن زن. وقتی خود خداوند برای هر دو به خود آفرین گفته چطور می‌شود که ما بیاییم یکی از آنها را از نظر ارزش نصف دیگری قرار بدهیم؟

دیه جبران خسارت جانی و روح انسانی است. یعنی وقتی کسی در یک تصادف یا قتل عمد جان و روح انسانی را از بین می‌برد، اسلام برای آن خون‌ها قرار داده. حالا چه فرقی است بین زن و مرد که بیاییم و بگویم زن ارزشش نصف مرد است و نصف خون بها باید بگیرد؟ این اصلا با آفرینی که خدا به خودش گفته نمی‌خواند و کسانی که چنین می‌گویند خیلی باید دلیل محکمی داشته باشند که بتوانند بگویند خداوند، یک جا مثلا در آفرینش مرد به خودش صد آفرین گفته و در آفرینش زن آفرین گفته. نه این طور نیست خداوند هر دو را مثل هم آورده و وقتی چنین می‌گوید چرا باید خون بهای آنها با هم فرق کند؟ یا خداوند می‌فرماید: "لقد کرمانی آدم" ما بنی آدم را گرامی داشتیم و بنی آدم اعم است از مرد و زن. خداوند همه را گرامی داشته و تفاوت دیه با "لقد کرمانی آدم" نمی‌خواند. خداوند انسان را گرامی داشته است و در قرآن هم هست که: "انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا" یعنی همه شما را از مرد و زن آفریدیم و مرد و زن در آفرینش انسان مثل هم هستند و یا در اول سوره نسا یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلقنا منها زوجها" بنا بر تفسیر شهید مطهری، نه آن گونه که در تفسیرهای اسرائیلیات آمده یعنی از پس مانده‌های گل آدم، زن آفریدیم یعنی اشغال‌ها را جمع کردیم و زن را آفریدیم؛ این نیست. خداوند می‌گوید ما انسان را از مرد و زن آفریدیم. معلوم نیست کدام از کدام آفریده شده‌اند

بلکه از همدیگر آفریده شده‌اند و هیچ تفاوتی با هم ندارند. از طرفی آن همه تعریف‌هایی که از زن در اسلام شده و خدماتی که اسلام برای زن انجام داده است با نابرابری دیه نمی‌خواند. بزرگترین کاری که اسلام با اراده

روایات "ریحانه" است اما در عین حال با او چنین برخوردی می‌شود. فرض کنید کسی زینب (س) را بکشد. حالا فرزندان او باید نصف خون‌بها را برای قصاص قاتل بدهند که امروز چیزی حدود ۱۵ میلیون

حقوق زنان، برابری دیه، قصاص و پوشش در گفتگو

زن و مرد در همه

قسمت

فهمیه



خداوند می‌فرماید: ما بنی آدم را گرامی داشتیم و بنی آدم اعم است از مرد و زن. خداوند همه را گرامی داشته و تفاوت دیه با "لقد کرمانی آدم" نمی‌خواند. خداوند انسان را گرامی داشته است و در قرآن هم هست که: همه شما را از مرد و زن آفریدیم و مرد و زن در آفرینش انسان مثل هم هستند. معلوم نیست کدام از کدام آفریده شده‌اند بلکه از همدیگر آفریده شده‌اند و هیچ تفاوتی با هم ندارند.

خداوند برای ارزش زن انجام داده زندگی شخصی خود رسول‌الله است برای اینکه در زندگی شخصی پیامبر، فرزندان پسر پیامبر همه فوت شده‌اند و نام پیامبر تنها با یک دختر باقی مانده به نام فاطمه زهرا سلام الله علیها. و این بر خلاف جاهلیت و چیزی است که متاسفانه هنوز هم می‌گویند که اولاد دختر اولاد ما نیست. می‌بینید که نام پیامبر اصلا با نام زهرا (س) مانده است و همه خصوصیات ائمه معصومین برمی‌گردد به زهرا سلام الله علیها. حالا ما بیاییم بگویم زهرا خون بهایش نصف است؟ خون‌بها خون بهای انسان است نه خون بهای اعضا و جوارح... اگر خون‌بهای اعضا و جوارح باشد که با حیوان نباید فرقی کند! چون انسان از بین رفته باید خون‌بها بدهد. چطور می‌توان توجه کرد که خون‌بهای حضرت زهرا نوعی دیه است یا اگر کسی

حضرت زهرا سلام الله علیها را کشته در باب قصاص ما بیاییم و بگویم که برای اعدام قاتل باید تازه نصف خون‌بها را هم به او بدهیم و بعد قصاصش کنیم؟ اما اگر زنی مردی را بکشد صاف می‌آییم و او را اعدام می‌کنیم. خب این چه تفاوتی است؟ با اینکه زن قابل ترحم است و حسب

است. پس ام کلثوم ۱۵ میلیون، سکینه ۱۵ میلیون، زنان بنی اسد که آمدند و سبب دفن بدن شهید شدند ۱۵ میلیون؟ زنان بنی اسد روز دوازدهم آمدند و دیدند بدن‌های شهید همین طور افتاده است و به شوهرانشان گفتند بیایید بدن‌ها را دفن کنید. مردان گفتند ما می‌ترسیم و

زنان بیل و کلنگ برداشتند و گفتند ما که نمی‌ترسیم و رفتند برای دفن بدن شهدا. خب طفلک این زن نمی‌پرسد مگر من چه گناهی کرده‌ام که باید نصف خون بها بدهم تا قاتلم قصاص شود؟ اینها نمی‌خواند با آن همه احترام و

محکمی داشته باشند که بتواند تبصره‌ای برای این همه اصول و ضوابط بیاورند و به همین سادگی نمی‌توان چنین تبصره‌ای را بر این همه اصول و ضوابط پذیرفت. بنابراین آیا بر همین اساس می‌توان قوانین کشور را

برابر است اما آن وقت فرصت مطالعه نداشتند و هنوز هم امام آن یکی دو تا مسئله را نگفته بود تا بابتی در فقه اسلام باز شود؛ یکی مسئله شطرنج که امام اشکال کردند و دیگری مسئله معادن زیرزمینی. آن موقع شهید بهشتی برای توجیه این مسئله (نابرابری دیه) فرمایش پرتی کردند. ایشان فرمایش فرمودند اینکه دیه زن نصف دیه مرد است برای این است که مرد نان آور است و زن نان آور نیست. خب این برای آن وقت شاید توجیه خوبی بود و ایشان هم البته معذور است. با اینکه شهید بهشتی بسیار آدم بافضلی بوده است اما حالا این حرف آن زمان زده شد و کسی هم اشکال نکرد و تمام شد ولی الان اگر خود شهید بهشتی هم بود این حرف را تمام نمی‌دانست برای اینکه اولاً نسبت به یک زن سرپرست چه باید بگوییم که نان خانواده را می‌دهد؟ یا زن شوهرداری که شوهرش کاری از دستش بر نمی‌آید و زن دارد کار می‌کند و خرج می‌دهد چه؟ بعضی افراد هستند که کار ندارند و زنانشان دبیر هستند یا پزشک و کار می‌کنند و خرجشان را می‌دهند و خیلی هم زیاد هستند. اینها را چطور باید جواب داد؟ بعد هم اصلاً بحث دیه زن و مرد، بحث نان‌آوری نیست. اگر یک پیرمرد زمینگیر که هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید و نان آور نیست و تازه نان خور هم هست کشته شود کل دیه را می‌گیرد اما اگر زن جوان شاغل را بکشند نصف دیه را هم باید بدهد. یک پسر بچه قنداقی اگر کشته شود دیه کامل دارد اما یک دختر ۲۵ ساله فوق لیسانس نصف دیه دارد. مگر پسر بچه قنداقی خرجی می‌دهد؟ پس این اعتبار حتی بر فرض قبول هم تمام نیست. از طرفی اصلاً نه در روایات و نه آیات در بحث دیه اشاره نشده به نان‌آوری بلکه دیه ارزش انسانی انسان است نه ارزش حیوانی او. و لذا اگر کسی را بکشند که هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید، نخاعش قطع شده و تنها چشمان و دهانش حرکت هم دیه‌اش با دیگران هیچ فرقی ندارد. البته این را هم بگوییم که پیران برکت زندگی هستند که متأسفانه امروز همین که بالای ۶۰ سال بشوند آنها را می‌برند خانه سالمندان. در حالی که سالمند مسئله‌اش شکم نیست. او علاقه می‌خواهد. انسان است. می‌خواهد در میان خانواده‌اش باشد. این یک کار غربی است که آمده و متأسفانه هم سنت ملی ما از میان رفته و هم از ثواب‌های زیادی ما محروم شده‌ایم چرا که سبب شده ما به آنها خدمت نکنیم و برکات آنها شامل حال ما نشود. بنده خودم و خانواده‌ام زن بابای ما را که سنه هم بود و تقریباً ۷۰ سال داشت جور می‌نگهداری می‌کردیم که ماندن نزد ما را دوست‌تر می‌داشت تا اینکه نزد دختران خودش بماند. یا مادرزن ما همین جابود و اواخر لباس‌های کثیفش را خود من می‌شستم و این را برای خودم برکت می‌دانستم. حالا هم در خانه گاهی با بچه‌ها شوخی می‌کنیم و می‌پرسیم که شما کی ما را می‌برید خانه سالمندان و آنها هم به شوخی می‌گویند مثلاً فلان وقت و من می‌گویم ما پدرانمان را نبردیم سالمندان و شما هم ما را نمی‌برید. (می‌خندد)

از طرفی آن همه
تعریف‌هایی که از زن در
اسلام شده و خدماتی که
اسلام برای زن انجام داده
است با نابرابری دیه
نمی‌خواند. بزرگترین
کاری که اسلام با اراده
خداوند برای ارزش زن
انجام داده زندگی شخصی
خود رسول الله است برای
اینکه در زندگی شخصی
پیامبر، فرزندان پسر پیامبر
همه فوت شده اند و نام
پیامبر تنها با یک دختر به نام
فاطمه زهرا سلام الله علیها باقی
مانده است.

بر مبنای برابری "دیه" میان زنان و مردان و مسلمانان و غیرمسلمانان وضع کرد؟ اجازه بدهید من عرضم تمام شود. از نظر بحث موردی دو سه روایت بیشتر نیست در بابی که صاحب رسائل باز می‌کند و می‌گوید: "آن دیه المراه نصف دیه الرجل" که در این روایات هم اشکال و خدشه شده و مناقشه دارد و ما هم اشکالاتش را گفته‌ایم. عنوان باب این است به قول شما روزنامه‌ای ها، تیتراژ این است: "آن دیه المراه نصف دیه الرجل" اما ۳ روایت مخدوش بیشتر در تایید آن پیدا نشده است. توجهاتی هم در این زمینه وجود دارد که بر نان آور بودن مردان و مسئولیت آنها در اداره زندگی تاکید می‌کنند که البته در جامعه امروز موارد نقض بی‌شماری دارد و ما زنان زیادی را داریم که سرپرست خانوار هستند.

اوایل انقلاب این بحث دیه زن و مرد مطرح شد. مرحوم شهید بهشتی قدس سره هم که فرصت چندانی نداشتند وارد بحث فقهی آن بشوند چنین توجیهی کردند. و اگر نه شهید مطهری و شهید بهشتی اگر امروز زنده بودند هر دو می‌گفتند که دیه زن و مرد

نگو با حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله)

حقوق برابر هستند

ت اول

خضر حیدری



پرسش‌های منتقدانه در حوزه دین و فقهات بوده است. آیت الله صانعی همچنین در باب حقوق زنان نیز یکی از نواندیش‌ترین علمای عظام به شمار می‌رود. خود نیز تاکید می‌کند: "کسانی به ما حمله می‌کنند که شما هر روز یک رای دارید و راست هم می‌گویند چون ما امسال یک رساله چاپ می‌کنیم و سال دیگر چیزهایی تازه‌ای به آن اضافه می‌کنیم و این نشانه تحقیق بیشتر است و نه نعوذبالله، نشانه سهونگری".

آیت الله صانعی با چهره گشاده و مطایبه بحث را پیش می‌برد و پرسش‌های ما را که عمدتاً در حوزه مسائل زنان طراحی شده‌اند جواب می‌دهد اما در رویارویی با بعضی پرسش‌های اساسی صراحتاً اعلام می‌کند که از پاسخ دادن معذور است. در برابر فلاش‌های پی در پی دوربین عکاسی صبور است و در قبال حساسیت‌های عکاس می‌گوید: "اگر دشمنی داشتید همان‌طور عکس می‌گرفتید؛ پیامبر هم نمونه واقعی نظم و آراستگی بودند و می‌فرمودند وقتی نزد برادران مسلمانان می‌روید نباید اشمناز ایجاد کنید؛ بر خلاف بعضی مسلمانان ناآگاه که می‌گویند باید نامرتب بنمایید تا یک مسلمان واقعی باشید!!".

ارزشی که اسلام برای زن قائل است. اینها بحث‌های اعتباری است و نه بدون دلیل و اصول. اصول و ضوابط و قواعد اسلام و روح تربیت و فرهنگ اسلامی اقتضا می‌کند که زن و مرد برابر باشند هم در قصاص و هم در دیه و آنها که می‌گویند برابر نیست باید دلیل بسیار



فراز و فرود اصلاح قانون ارث بری زن از شوهر

قسمت اول

هدف از ایجاد تعادل و تساوی در ارث بین زن و مرد، ترمیم حقوق زنان و ایجاد تعادل و تساوی در بخشی از مقررات ارث بین زن و مرد می باشد. ارث بردن زوجین از تمامی اموال یکدیگر، اعم از منقول و غیر منقول، موافق ظاهر قرآن کریم است اما با نظر مشهور در فقه امامیه تعارض دارد.



با اصلاح موادی از قانون مدنی و ابلاغ آن از سوی رئیس جمهور، از این پس زنان علاوه بر اموال منقول شوهران خود، از قیمت اموال غیر منقول آنان نیز ارث می برند.

برخی کارشناسان اصلاح این قانون که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ به تصویب رسیده بود را پس از کش و قوس های فراوان در مجالس ششم، هفتم و هشتم، گامی در جهت رفع تبعیض از زنان می دانند.

مجلس ششم و اصلاح ارث بری زن

شهریورماه ۱۳۸۲، پانزده نماینده ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با امضای طرحی خواستار اصلاح موادی از قانون مدنی شدند.

بر طبق مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مصوب ۱۳۰۷، مرد از تمام اموال همسر خود ارث می برد اما زن سهمی از اموال غیر منقول نداشته و فقط از قیمت بناها و درختان ارث می برد. در صورتی که فرزندی نداشته باشند، مرد تمام اموال همسرش را به ارث می برد اما زن تنها یک چهارم اموال منقول را.

یک فوریت رسیدگی به این طرح در هفته زن در روزهای پایانی مردادماه در همان سال، رای نیاورد اما با تشکیک در رای گیری و رایزنی نمایندگان زن با سایر نمایندگان، یک فوریت طرح در دوم شهریور ۱۳۸۲ به تصویب رسید.

بر طبق این طرح زوج یا زوجه از تمام اموال یکدیگر اعم از منقول یا غیر منقول ارث می برند و در صورتی که هر کدام از زوجین فوت کنند و هیچ وارث دیگری نداشته باشند، تمام اموال متوفی به همسر وی می رسد.

ایجاد تساوی در ارث بین زن و مرد

گزارش مرکز پژوهش های مجلس که در آن ایام منتشر شد، هدف از این طرح را ترمیم حقوق زنان و ایجاد تعادل و تساوی در بخشی از مقررات ارث بین زن و مرد عنوان کرد و افزود: ارث بردن زوجین از تمامی اموال یکدیگر، اعم از منقول و غیر منقول، موافق ظاهر قرآن کریم (آیه ۱۲ سوره نساء) است اما با نظر

مشهور در فقه امامیه تعارض دارد.

این گزارش نظرات فقهای شیعه را به پنج دسته تقسیم کرده و آورده است: دسته اول زن فقط از اموال منقول ارث می برد و از غیر منقول ارث نمی برد، چه زن از شوهر اولاد داشته و چه نداشته باشد. در دسته دوم زن از اموال منقول و غیر منقول ارث می برد مطلقاً چه اولاد داشته و چه نداشته باشد. در دسته سوم زن از اموال منقول و قیمت اموال غیر منقول ارث می برد مطلقاً چه اولاد داشته باشد و چه نداشته باشد. دسته چهارم زن اگر از شوهر متوفی فرزند داشته باشد از جمیع ماترک چه منقول و چه غیر منقول ارث می برد و اگر اولاد نداشته باشد فقط از منقول ارث می باشد. دسته پنجم زن اگر از شوهر متوفی فرزند داشته باشد از منقول و غیر منقول ارث می برد لکن از غیر منقول قیمتش را می برد نه عین آن را.

این گزارش با بیان اینکه بین فقهای شیعه در این مسئله اتفاق نظری وجود ندارد، افزوده است: هم کسانی که معتقدند از اموال منقول و غیر منقول ارث برده می شود روایت صحیحیه در دست دارند و به اطلاق آیه هم استدلال می کنند و هم کسانی که معتقدند زن از غیر منقول مانند زمین ارث نمی برد، اخبار صحیحیه در دست دارند و به اطلاق آیه را تقیید و عموم را تخصیص می زنند.

و در استدلال آن آورده است: زن مطلقاً از مرد ارث می برد که هم مقتضی ظاهر قرآن و هم روایت صحیحیه ای که در این باب است می باشد و به فرمایش صاحب جواهر بیشتر بزرگان فقه از قدما و متأخرین عدم تعرض به این مساله با توجه به اینکه زمینه آن بوده است و دیگران طرح کرده اند، همراهی با عموم آیه است، همانگونه که اسکافی تصریح کرده است.

این گزارش به لحاظ کثرت فتوا از فقهای نظریه چهارم را بر شمرده است. گزارش دفتر حقوقی مرکز پژوهش های مجلس تصویب این طرح را گامی در جهت برابری حقوق زن و مرد می داند که موجب ایجاد انگیزه های مثبت در زنان نسبت به زندگی زناشویی و استحکام بیشتر نظام خانواده می شود. گزارش تصریح کرده است: اگر قانون مدنی در این خصوص اصلاح شود و زوجه صاحب فرزند در جمیع ماترک شوهر سهم شناخته شود علی رغم اینکه این حکم با نظر مشهور فقهای امامیه مغایرت دارد، مع ذلک با لحاظ ادله موجود انصاف و عدالت بهتر رعایت شده و حکمی خلاف شرع و مغایر با موازین اسلامی هم وضع نشده است، بلکه از فتوای عده عظیمی از فقهای بزرگ تبعیت شده است.

موافقان اصلاح و دردهای تلنبار شده

برخی موافقان با اشاره به اینکه اگر مردی تنها مالک چندین هکتار زمین شود و چیز دیگری از او باقی نماند زن هیچ سهمی از اموال شوهر نخواهد برد یا اگر ملکی کلنگی داشته باشد و یا درختان سود دهی چندانی

نداشته باشند مبلغ قابل توجهی به زن نمی رسد، خواستار تصویب چنین طرحی بودند. آنها عقیده داشتند باید در برابر حق مردان برای تصرف تمام ارث همسر متوفای بلاوارث خود، زنان نیز مالک تمام اموال همسر متوفای بلاوارث شوند.

این مساله همچنین زمانی بیشتر آشکار شد که پس از زلزله بم بسیاری از زنانی که همسر و کودکان خود را در زلزله از دست داده بودند از اموال غیر منقول همسرشان یعنی زمین نمی توانستند ارث ببرند و از آنجا که خانه ها ویران شده و درخت هم از بین رفته بود پس ارثی از ساختمان و درختان باغ هم به آنها نرسید. نمایندگان پیشنهاد دهنده طرح معتقد بودند علاوه بر قید و شرطی که قانون مدنی بر نوع ارث زن و مرد گذاشته است، در مورد میزان آن هم در قانون به نحوی عمل شده که مردان بیش از آنچه در نص صریح قرآن به آن اشاره شده ارث می برند و زنان کمتر از آنچه در قرآن پیش بینی شده است.

در همان روزها دکتر مرتضی احمدی وکیل و حقوقدان در این باره به ایران می گوید: در آیه ای که مبنای طرح نمایندگان قرار گرفته، تصریح شده که در صورت بلاوارث بودن زن، مرد نیمی از اموال او را به ارث می برد، در حالی که به طبق ماده ۹۴۹ قانون مدنی (قبل از اصلاح) زوج همه اموال زوجه بلاوارث خود را می برد. در مورد زنانی که در قرآن آمده در صورت بلاوارث بودن شوهر، زوجه یک چهارم اموال او را به ارث ببرد در ماده ۹۴۹ آمده که زن فقط

اخبار حوزه

رییس جامعه المصطفی العالمیه

گره‌های فلسفی غرب را بگشاییم

کارهای گسترده‌ای در حوزه‌های معرفت‌شناسی در غرب انجام شده و اگر مراکز علمی ما نتوانند، گره‌های فلسفی آن را بگشایند همه مراکز علمی تهدید خواهند شد.

رییس جامعه المصطفی العالمیه در دیدار رییس العلمای بوسنی و هرزگوین با اشاره به اندیشه متعالی انقلاب اسلامی گفت: انقلاب اسلامی ایران و امام به ما آموختند که مسلمانان باید با برادران دینی خود کمال محبت و علاقه را داشته باشند و امروز این را در ایران اسلامی تجربه کرده‌ایم.

وی اهتمام به حوزه علوم عقلی و فلسفی و مباحث بنیادی در تفکر اسلامی را در روابط علمای دینی موثر خواند و گفت: جامعه المصطفی و مراکز دینی ایران فعالیت‌های خوبی در این زمینه داشته‌اند. حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی افزود: در نظام فقهی و اخلاقی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی مباحث فراوانی داریم و باید ارتباط مناسبی بین منابع دینی و علوم غربی پیدا کنیم تا مشکلات جوامع بشری حل شود.

وی با بیان اینکه در جامعه المصطفی به مباحث ادیان و مذاهب اشاره شده است گفت: توجه ادیان و مذاهب به یکدیگر می‌تواند تمدن‌ها را به هم نزدیک کند و روح جدیدی در جوامع بشری ایجاد نماید. رییس جامعه المصطفی با اشاره به جایگاه بوسنی و هرزگوین گفت: علاقه فراوانی میان ایرانیان و مردم بوسنی است و تقویت آن را دنبال نموده‌ایم.

در ابتدای این دیدار، مصطفی سرپچ رییس العلمای بوسنی و هرزگوین با اشاره به جایگاه حوزه علمیه قم گفت: حضور در مرکز علما و اندیشمندان بزرگ، بسیار سودمند است.

وی افزود: انقلاب اسلامی ایران حرکت‌های سکولاری را در بند کرد و دری را برای حرکت به سمت اهداف اسلامی باز نمود و پیشی در مسلمانان ایجاد نمود تا مسلمانان به پیروزی‌های بزرگی نزدیک شوند.

مریم صدریه پژوهشگر اجتماعی و مدرس دانشگاه در گفتگو با ایران معتقد است با وجود قوانین فعلی، وضعیت زنان روستایی دشوارتر و در معرض آسیب بیشتری قرار دارد: در مناطق روستایی اغلب آنچه از مردان به جا می‌ماند، زمین و باغ است که طبق قانون فعلی زن از آن ارث نمی‌برد. در نتیجه مشکلات این زنان بیشتر است. چون در صورت تصرف زمین توسط وراثت، زن حتی امکان بهره‌برداری از محصولات زمین و باغ را هم ندارد. در حالی که یکی از راههای مبارزه با فقر زنان روستایی تصویب این قبیل قوانین است که سهم آنها نیز در بهره‌برداری از زمین و باغ باقی‌مانده از شوهر محفوظ باشد. گاه چنین زنانی ناچار می‌شوند برای تأمین معیشت و داشتن سرپناه بعد از فوت شوهر، با مردانی ازدواج کنند که خود همسر و فرزند دارند که این انتخاب نیز با هم شرایط دشواری را پیش روی آنها قرار می‌دهد. در حالی که با اجرایی کردن مصوبات جدید، مشکلات بسیاری از این زنان برطرف می‌شود.

اکرم مصوری منش نماینده اصفهان در مجلس ششم نیز از همین زاویه به مسأله تغییر قوانین مدنی در مورد ارث نگاه می‌کند: زن پس از فوت همسر خود، استقلال اقتصادی را از دست داده و محتاج دیگران اعم از دولت و فرزندان و اقوام و خویشان خود خواهد شد و در جایی که تنها وارث شوهر محسوب می‌شود باید سه چهارم ارث را به خزانه دولت بریزد و بعداً دولت همین پول را به عنوان کمک به زن بدهد. بسیاری از موافقان مصوبات جدید مجلس معتقدند که حضور اجتماعی زنان و فعالیت‌های اقتصادی آنها نسبت به گذشته بیشتر شده است و زن نیز پا به پای مرد کار و فعالیت می‌کند، بنابراین چرا نباید همانند او سهمی یکسان از دارایی و درآمدی که از خانواده باقی می‌ماند، داشته باشد؟! دکتر محمد سیف زاده، وکیل و حقوقدان در مورد قوانین جنسیتی ارث به این روزنامه می‌گوید: قبلاً گفته می‌شد چون مرد نان آور خانه است، بنابراین ارث هم دو برابر در نظر گرفته شود. وقتی در کلان‌شهرها و روستاهای ایلام و لرستان نگاه می‌کنیم می‌بینیم تمام امور کشاورزی و خانه‌داری و دامداری و صنایع دستی بازن است؛ مرد غیر از تولید مثل و چپ‌کشیدن کاری نمی‌کند و به گفته خود زنان وقتی هم که بی ادبی کنیم، مارا تنک می‌زنند. یا در کلان‌شهرها، زنها، نقش مهمی در اقتصاد خانه دارند.

معمول نیست که یک زنی را مادام‌العمر از ارث محروم کنیم چون از شوهرش غیر از زمین، اموال دیگری باقی نمانده است. از دیگر دلایلی که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت این بود که طبق شرع، نفقه زنان سرپرست خانوار را باید پدر، همسر یا حکومت پرداخت کند. در نبود همسر، حکومت وظیفه پرداخت نفقه را برعهده دارد. اما حکومت عملاً آنها می‌تواند بخش کوچکی از هزینه‌های این زنان را بپردازد. موافقان با اصلاح قوانین مدنی در مورد ارث معتقدند که با سهم بردن زن از اموال منقول و غیرمنقول مرد، مشکلات بسیاری از زنان سرپرست خانوار برطرف می‌شود. مهناز امیریان جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه، به مذموم بودن به نام کردن بخشی از اموال به نام زن حتی اگر حاصل دسترنج او باشد اشاره می‌کند و به ایران می‌گوید: البته این مسأله باتوجه به بافت مردسالار خانواده‌های ایرانی چندان هم عجیب نیست. هرچند در سالهای اخیر تغییراتی شده و بعضی از مردان بدون توجه به قانون اموال خود را به تساوی بین فرزندان دختر و پسر تقسیم می‌کنند و یا اقدام به تقسیم دارایی و اموال خانواده به طور عادلانه بین خود و همسرانشان می‌کنند، اما این مسأله هنوز عمومیت ندارد. بنابراین قانگذار می‌تواند با تصویب قوانین مناسب شرایط روز به تسریع این تغییرات اجتماعی نیز کمک کند. نکته قابل تأمل این است که اگر زن و مرد در کنار یکدیگر و با کمک هم اقدام به تأمین معاش و رفع مایحتاج و افزودن بر دارایی خانواده می‌کنند، چرا وقتی حرف از ثبت بخشی از اموال و آنچه در طول زندگی مشترک به دست آمده به نام زنان می‌شود، قانون سکوت می‌کند و در عرف نیز فقط مردان صاحب حق و شایسته شناخته شده و سهم زنان براحی نادیده گرفته می‌شود.

نصب اموال خود را خواهد برد و بقیه ترکه در حکم اموال اشخاص بلاوارث است. با داغ شدن بحث حجت‌الاسلام فاضل میبیدی با خارج شمردن شمول ارث از مسائل تبعیدی به این روزنامه گفت: مسائل ارث مثل مسائل عبادی از جمله نماز و روزه نیست. از مسائل مدنی است و دولت اسلامی می‌تواند آن بخش از دستورات غیرقرآنی را در صورت ضرورت این قوانین برحسب مصالح مسلمین تغییر بدهد. این طور نیست که اگر یک حکم فقهی در ۱۲۰۰ سال یا بیشتر در مورد ارث صادر شده یا روایتی صادر شده، ملزم باشیم، همان حکم فقهی را در مورد مسائل مدنی اجرا کنیم، در مورد ارث نیز در خود قرآن نیامده که زن از زمین ارث نمی‌برد. نظر قرآن همان است که در آیه ۱۲ سوره نسا مطرح شده که اگر زن فرزندی نداشت یک چهارم و اگر اولادی داشت یک هشتم اموال مرد را ارث می‌برد. اما این که زن از زمین ارث ببرد یا خیر، میان فقها اختلاف نظر هست. اگر شورای نگهبان بخواهد به اکثر فقهای سلف و سنتی استناد کند، می‌تواند این مصوبه را خلاف شرع قلمداد کند ولی شارع مقدس اسلام دست فقها را در امثال این امور بازگذاشته است. اگر در این زمان احساس شود که در مسأله ارث حق زنان پایمال می‌شود، فقها می‌توانند حکمی را که براساس عدالت است در مورد زنان اجرا کنند. وی از بعد دیگری قضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد: ممکن است زمین در ۱۴۰۰ سال پیش در عربستان هیچ ارزشی نداشته و آنچه با ارزش بوده، درخت و بنا و اشجار آن بوده است. ولی الآن که زمین ارزشمند است، مسأله فرق می‌کند.

بسیاری از موافقان مصوبات

جدید مجلس معتقدند که

حضور اجتماعی زنان و

فعالیت‌های اقتصادی آنها نسبت به

گذشته بیشتر شده است و زن نیز

پا به پای مرد کار و فعالیت می

کند، بنابراین چرا نباید همانند

او سهمی یکسان از دارایی و

درآمدی که از خانواده باقی

می‌ماند، داشته باشد؟!

حجت الاسلام والمسلمین ذبیح الله شاهرخی در مراسم ارتحال امام خمینی در خرم آباد

باید مدافع آرمانها و ارزشهای امام باشیم

این مجلس که با حضور مسئول دفتر مرجع نو اندیش شیعه برگزار شد، حجت الاسلام شاهرخی به سخنرانی پرداخت. وی سخنرانی خود را با عبارتی از دعای عرفه امام حسین علیه السلام آغاز کرد و گفت: آن حضرت به درگاه الهی می فرمودند هر آنکس که تو را یافت چه چیزی را از دست داده و هر آنکس که خدا را نیافت و گم کرده هیچ چیز را در نیافته است، اگر چه به ظاهر ممکن است دارای قدرت و لشکر هم باشد اما چون خدا با او نیست و سرانجام نابود خواهد شد.

شاهرخی سپس به موضوع کربلا اشاره کرد و از سختی هایی که حضرت زینب (س) تحمل کرد سخن گفت و ابراز کرد: چون خدا را با تمام وجود پذیرفته بودند و به حقیقت خدا پی برده بودند، همه چیز را زبانی دیدند.

وی ادامه داد: در تاریخ اسلام، شخصیتی چون ابوذر غفاری هم داریم که در نهایت با فقر و گرسنگی و در تبعید ازدنیا رفت، در صورتی که هیچگاه تسلیم باطل نشد، چرا که به وجود حق ایمان آورده بود و همین حق به او قوت و نیرو می داد.

ایشان در پایان به امام خمینی اشاره کرده و گفتند: امام نیز چون حق را دریافته بود و خدا را شناخته بود و به خدا تکیه کرده بود، از هیچ چیزی هراس نداشت، در صورتی که در اوائل انقلاب از دنیای مادی بی بهره بود، اما چون تکیه گاه خود را خداوند قرار داده بودند و خدا را داشتند در واقع همه چیز را دارا بودند و بالاخره محمد رضا پهلوی را از کشور بیرون کرد و خود با کمک مردم جمهوری اسلامی ایجاد کرد. اینها نشانه عنایات و امدهای الهی بود. پس وظیفه ماست که از آرمانهای امام و ارزش های دینی پاسداری کنیم و حقیقت و راستی را به نسل خودمان بیاموزیم و تابع صداقت و عدالت باشیم.

جوین و لباس کهنه اکتفا کرده است ولی شما نمی توانید مثل من باشید ولی مرابا تقوا و پاکدامنی کمک کنید.

وی سپس در ادامه اظهار داشت: اگر مولا امیرالمؤمنین در مقام امامت و رهبری ملت پاک دامن نباشد و دوست داشته باشد به مردم دروغ گفته شود آیا مردم او را قبول دارند؟ یا در جنگ صفین در حین خطبه ها وقتی شخصی شعار الله اکبر داد و گفت ما بهترین امام را داریم چقدر زیبا سخن می گوید حضرت فرمود: بنشین و موضوع سخن را عوض کرد و فرمود: فلا تکلمونی بما تکلم به جباره. مرابا آن چیزی که با ان ستمکاران را مورد خطاب و تشویق قرار می دهند خطاب نکنید. من امامت دارم، من معصوم هستم من خدمت گزار مردم هستم. واقعا فکر می کنید من مثل آنها دوست دارم که تعریف مرا بکنید و مرا تمجید بکنید اگر این فکر را دارید

اشتباه می کنید بیائید در برابر من حق را بگویند و در مقام مشورت نگویند این علی است و خودش بهتر می فهمد من بالاتر از خطا نیستم مگر اینکه خدا مرا ننگه دارد.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه امام خمینی (سلام الله علیه) دائما تذکر می دادند که عالم محضر خدا است و خودتان را در محضر خدا ببینید، به موضوع تعریف و تمجید مرحوم فخرالدین حجازی از امام در محضر شان اشاره کرد و گفت: امام (سلام الله علیه) در برابر این تمجید فرمودند من متأسفم که آقای حجازی این سخنان غلو آمیز را بر زبان جاری کرد ایشان حرفهایی را گفت که شاید مرا اغوا کند و یا در جایی دیگر در برابر تعریف و تمجید آقای مشکینی «ره» (که خود درس اخلاق می گفتند) از امام، عکس العمل نشان دادند و فرمودند من از آقای مشکینی تعجب می کنم.

امام کوچکترین قدمی در راه تبلیغ خودش بر نداشت محبت امام را خدا در دل مردم گذاشت، امام را خدا بزرگ کرد نفوذ امام را خدا در دلها قرار داد. امروز یادگار امام این انقلاب است این مملکت است و این یادگار امام باقی نمی ماند مگر با حضور شما مردم در صحنه و سپردن کار به افراد صالح و درست کار.

آیت الله سید حسین موسوی تبریزی:

باید انقلاب امام را حفظ کرد



انقلاب در سهار تعطیل کردند و انجایی که لازم بود اشاره می شد می رفتند و کار میکردند (مثل همین آیه الله العظمی صناعی) دیگر دنبال این نبودند که حالا باید رساله بنویسیم "دفترمان تقویت بشود و... دانشگاهیان ما هم متحول و متغیر شده بودند و شهدایی نظیر باکرهها، همت ها، از ممتازین دانشگاههای ما بودند.

علت اصلی این تغییرات در صداقت، خلوص نیت، پاکی و معنویت حضرت امام (س) بود.

وی در ادامه اظهار داشت: مولا علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: رعیت اصلاح نمیشود مگر زمام داران اصلاح شوند. زمامداران فرهنگ سازند، ایمان سازند، دین سازند، اخلاق سازند و لذا ما روحانیت مسئولیت بالایی داریم و در روایت داریم که «اذا فسد العالم فسد العالم» و همچنین در روایت داریم که «اذا مات العالم تلم فی السلام ثلثة لایسدهاشی» یعنی اگر عالم حقیقی بمیرد به اسلام ضربه ای وارد می شود که جبرانش نمی توان کرد مگر اینکه عالمی مثل او بیاید.

ایشان در ادامه با اشاره به فرمایش مولا امیرالمؤمنین علی (ع) که می فرماید بدانید که امام شما از این دنیا به دو قرص نان

مراسم بیستمین سالگرد ارتحال ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) در دفتر شاگرد میرز و باوفای ایشان حضرت آیه الله العظمی صناعی (مدله العالی) منطقه جنوب «دفتر شیراز» با حضور علما و ارادتمندان آنحضرت برگزار گردید. در این مراسم آیه الله حاج سیدحسین موسوی تبریزی دبیرمجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم درباره شخصیت حضرت امام (سلام الله علیه) به ایراد سخنرانی پرداخت.

ایشان با بیان اینکه سالگرد بزرگداشت امام (سلام الله علیه) مانند حیات آن حضرت بایستی برای حیات جامعه ما مفید باشد همانطور که ورود با عظمتش در تقویت روح اسلامی

و انسانی جامعه ما بسیار مؤثر بود، تشییع جنازه آن بزرگوار با همه غصه هایی که بخاطر از دست دادن آن عزیز بزرگوار بر ملت ایران وارد شده بود آنچنان روح انقلابی اسلامی و معنوی بر ملت ایران دمیده شد که باز مجددا نظام ما بیمه شد و دشمنان اسلام و نظام را مأیوس کرد.

وی در بخش دیگر سخنانش ضمن اشاره به آیه قرآن «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم» اظهار داشت مردم انقلاب را خواستند. چرا استقبال از امام آن عظمت را داشت و خداحافظی و وداع مردم با آنحضرت نیز آن عظمت را داشت؟ چون مردم امام را خواسته بودند. ما باید عامل مهم این تغییرات را در خود امام جستجو کنیم، امام چه می فرمود، چه می کرد؟ چه شناختی امام از این ملت و جوانان داشت؟ جوانان با وجود همه مظاهر فساد و فحشاء در زمان طاغوت، در مساجد و در هیئت ها و در جلسات تفسیر قرآن و با اندیشه های امام (ره) و مرحوم شهید آیه الله بهشتی و شهید آیه الله مطهری ساخته شدند. چون اسلام پاک بود و آلوده به ریاکاری حقه بازی، جاه طلبی، مال پرستی نشده بود. حوزه های علمیه هم همین طور بودند. حوزه ها با بهترین مدرسین پس از پیروزی



رابطه عینی دین و سیاست در اندیشه سیاسی امام

حجت الاسلام والمسلمین علی عجم:

باید رأی و نظر مردم را پاس داشت

مراسم بیستمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دفتر مرجع و فقیه متفکر حضرت آیت الله العظمی صانعی در کرمان و با استقبال بسیاری از علاقه مندان به آن حضرت با شکوه خاصی برگزار شد.

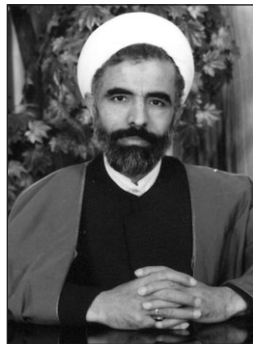
در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین علی عجم به سخنرانی پرداختند.

وی یکی از مهمترین اصول اندیشه امام سلام الله علیه در بین عالمان را تأکید ایشان بر رأی و نظر مردم دانست و تصریح کرد: این اندیشه امام سلام الله علیه در قرن اخیر بی سابقه است و شما هیچ عالم و فقهی را در جهان تشیع پیدا نمی کنید که تا این اندازه روی رأی مردم تأکید داشته باشد و مشروعیت نظام را بر اساس اندیشه، نظر، فکر و رأی مردم قرار داده باشد.

وی افزود: آزادی، حق خدادادی یک ملت است و در دنیای امروز، تیترا اصلی آزادی، انتخابات آزاد است یعنی اینکه مردم بتوانند آزادانه رأی بدهند.

این خطیب توانا، با اشاره به اصول آزادی مطرح شده در قانون اساسی، آزادی را یکی از پایه های انقلاب دانست و اظهار داشت: آزادی یعنی آزادی بیان، انتخاب، مطبوعات و نقد قدرت که همان امر به معروف و نهي از منکر است.

علی عجم مطبوعات را چشم مردم عنوان کرد و گفت: مطبوعات و اهل قلم کسی است که به تاریخ خانه هانور می تاباند تا در آنجا فساد تولید نشود و اگر چنین آزادی هایی در جامعه نباشد، مسلماً در آنجا فساد تولید می شود.



در اندیشه سیاسی امام بین دین و سیاست رابطه عینیت برقرار است و اسلام انسان را از اصل، صاحب رأی و حق انتخاب گری می داند پس در ذات اسلام، رأی مردم نهفته است.

انجمن حجتیه یک بار دیگر در جامعه رواج پیدا کند.

مجید انصاری در ادامه به موضوع ریاست جمهوری پرداخت و گفت:

رئیس جمهور اگر مشورت گرا و جمع گرا باشد مجلس را پویا می کند چون خوراک مجلس را دولت با دادن لوایح تأمین می کند. قوه قضائیه را پویا می کند فرهنگ و اخلاق را گسترش می دهد و در نتیجه جرم کمتر می شود و قوه قضائیه به جای توسعه زندان ها و افزایش ضابطین قوه قضائیه حرکت دیگری می کند.

رئیس جمهور می تواند قطار توسعه کشور را به پیش ببرد و دو قوه دیگر را تحت تأثیر خود قرار دهد. رئیس جمهور دانا و قانون گرا می تواند گریز دستگاه های دیگر را از کانون کنترل کند و همه را به مدار قانون برگرداند.

وی در پایان با استمداد از روح امام خمینی، برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و موفقیت شاگردان و پیروان آن عزیز سفر کرده دعا کردند.

کردند که از بقیه واجبات کمتر نیست. ایشان ادامه داد: حضرت علی علیه اسلام که در جنگ خندق با فرود آوردن شمشیر دفع شر از نهال اسلام کردند پیامبر اکرم فرمود: ضربه علی یوم خندق افضل من عباده الثقلین این یک عمل نظامی بود. گاهی یک عمل سیاسی که پایه گسترش اسلام و زمینه اجرای احکام قرآن را فراهم می کند، ثواب آن بیشتر از اعمال دیگر است. لذا اگر سوال شود در میان عباداتی که حضرت امام (ره) انجام دادند، امامی که هفتاد سال نماز شبش ترک نشد و اهل قرآن، ذکر، دعا و تدریس بودند، اگر قرار باشد نمره بدهند ثواب کار سیاسی امام نه به اندازه هفتاد سال عبادت آن حضرت بلکه هفتصد سال مؤمنین است، چون او با این کار توانست قرآن را توسعه دهد. پس باید فعالیت سیاسی و اجتماعی را به عنوان یک تکلیف بزرگ اهمیت بدهیم.

نگویم فلان جلسه دینی خیلی خوب است به دلیل این که از سیاست خبری در او نیست نباید بگذاریم اندیشه های

مراسم بیستمین سالگرد امام راحل در مشهد مقدس و در دفتر حضرت آیت الله العظمی صانعی با حضور علماء، فضلا و مردم قدرشناس مشهد با شکوه خاصی برگزار شد.

در این مراسم که در برابر جمع کثیری از علاقه مندان به آن امام عزیز برگزار شده بود، حجت الاسلام والمسلمین انصاری به ابعاد فکری و سیاسی معمار و بنیانگذار انقلاب اسلامی اشاره کرد و این مصیبت عظمی را به پیروان اندیشه امام تسلیت گفت.

وی ضمن تجلیل از فرزندان و همسر آن امام عزیز، به موضوع انتخابات پرداخت و گفت: در اندیشه سیاسی امام بین دین و سیاست رابطه عینیت برقرار است و اسلام انسان را از اصل، صاحب رأی و حق انتخاب گری می داند پس در ذات اسلام، رأی مردم نهفته است. اگر امور سیاسی را طبق نظریه امام جزئی از احکام اسلام بدانیم بلکه رکنی از ارکان مهم اسلام بشمار بیاوریم طبعاً در سایر واجبات مثل نماز، حج، جهاد و دیگر واجبات پرداختن به مقدمات واجب نیز واجب است و اگر مقدماتی لازمه انجام واجبات باشد آن عمل هم بالتبع واجب می شود مثل وضو گرفتن برای نماز و تجهیز برای جهاد و دفاع.

انصاری به لوازم پرشور شدن انتخابات، معرفی کاندیدا، انجام تبلیغات سالم و معرفی کاندیدا اشاره کرد و آن را بخشی از این واجب عقلی سیاسی و شرعی دانست و حتی بحث از انتخابات را نیز به عنوان یک ضرورت و یک واجب مطرح

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد هاشمی نژاد:

باید مکتب فکری و فقهی امام تداوم یابد

مجاهد نام بردند و ضمن قرائت جمله ای از حضرت امام در رابطه با مقام علمی آیت... صانعی (مد ظله) که افتخار شاگردی درس امام (س) را سالهای متممادی داشته اند، به تداوم مکتب فکری و فقهی امام و حاکمیت حقیقی خط امام در ارکان مختلف نظام و به ویژه در امور اجرایی کشور تأکید کردند.

این روحانی مبارز که خود رنج دوران ستم شاهی را دیده و سالهای متممادی در زندانهای رژیم منحوس گذشته محبوس بودند، با یاد آوری جایگاه رفیع شاگردان امام (س) از مرجع عالی قدر و نو اندیش حضرت آیت... العظمی صانعی (مد ظله) به عنوان یکی از مراجع بیدار و شجاع و

کرده بودند حجت الاسلام والمسلمین سید احمد هاشمی نژاد برادر شهید هاشمی نژاد برای حاضران سخنرانی کرد. ایشان در ابتدا یاد و خاطره امام بزرگوار را گرمی داشته و به نقش بی بدیل حضرت امام (س) در رهبری نهضت اسلامی مردم مسلمان ایران اشاره کردند.

مراسم بیستمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (س) در روز پنجشنبه ۸۸/۳/۱۴ بعد از نماز مغرب و عشاء با حضور دوستداران آن امام عظیم الشان از طرف دفتر مرجع عالی قدر در شهرستان گرگان برگزار گردید. در این جلسه که تعداد زیادی در آن شرکت

رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدتله) به مسئولان دفاتر

ما موظف به حفظ علوم و روش اهل بیت هستیم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

در این فرصت کوتاه قصد دارم چند نکته ای را به عنوان کسی که به شما، اسلام و تشیع علاقه مند است، عرض کنم:

نکته اول اینکه تلاش کنیم همه مان که اگر نافع برای اسلام و برای تشیع نیستیم، مضر هم نباشیم، یعنی

نباشم چون او خوشش نمی آید، یک کسی ممکن است از حرکت من و از طرح دیدگاههایم که برای حفظ اسلام است خوشش نیاید، خب نیاید. اینجور نیست که حالا ما بگوییم او چون خوشش نمی آید ما باید تغییر عقیده بدهیم، نه چنین نیست. یا افرادی هستند که من هر کاری را انجام بدهم آنها یک چیزی به آن می حسابند، یا برداشت

اهل دقت باشند، اینجور نباشد که حالا غروب که رفت منزل، این دیگر لای کتاب را هم باز نکند، نه نباید زندگی را اینگونه گذراند، بلکه باید وقتی به منزل می روید کتابی را در حد معلومات خودتان باز کنید و یک بحثی را از نظر بگذرانید و نکاتی را هم یادداشت کنید و سطح علمی خود را بالا ببرید؛ هر چه ما معلوماتمان بالاتر برود، بهتر می توانیم به اسلام خدمت

کتابی بخوانند، یک بحثی را نگاه کنند و بعدا وقتی به نتیجه ای رسیدند آن را به صورت مباحثه مطرح نمایند. ما موظفیم به هر حال علمی را که از اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین به ما رسیده حفظ کنیم و به دیگران منتقل کنیم.

نکته چهارم اینکه باید با مردم برخوردهای مسالمت آمیز داشت: قل لو كنت فضاءً غلیظ القلب لانفضوا من

به مجالس عزاداری و روضه

خوانی اهمیت بدهید، سعی

کنید کسانی را برای سخنرانی

دعوت کنید که به اهمیت

موضوع پی برده باشند و عمق

این حادثه دلخراش را با جان و

دل درک کرده باشند و آگاهانه

به طرح مقتل بپردازند، نه اینکه با

دگرگون ساختن صحنه کربلا و

هدف بزرگ حسین بن علی (ع)

به جعل و تحریف رو آورند



حرکاتمان، سکنتانمان، گفتارمان را جوری کنترل کنیم که دیگران بر حسب متعارف سوء استفاده نکنند و یا استفاده درست نکنند و بعد بگویند بله، اسلام این است، روحانیت این است و حوزه ها این است. دیگران هر چه انجام دهند ما مسؤولش نیستیم ما خودمان مسؤولیم که آن کارها را انجام ندهیم، چون این اسلام و این تشیع و این احترامی که روحانیت امروز دارد، مرهون خیلی از فداکاری های علما و فقهای قرن های اخیر است؛ تا روحانیت توانسته آن آبرو را حفظ کند. ما در نظر مردم محترم و مورد علاقه هستیم، اما اگر خدای ناخواسته یک کاری بکنیم که به اسلام ضرر بخورد یا به روحانیت ضرر بخورد، با هیچ وسیله ای نمی توانیم آن را در روز قیامت جبران کنیم، البته ممکن است یک کسی از من خوشش نیاید، خب خوشش نیاید، من که نمی توانم

غلطی می کنند که در نهایت به ضرر اسلام و مسلمین تمام می شود، آن را ما مسؤولش نیستیم، او خودش باید هدایت بشود، اما توده های مردم و غالب افراد نباید سوء ظن پیدا کنند.

نکته دوم: برخورد با افراد خیلی ظرافت کاری می خواهد، باید به آنها یاد داد که آقا، وجوهات برای حوزه های علمیه و برای ترویج دین است و سایر امور خودش مسؤول دارد، با چهار شاهی وجوهات که نمی شود همه مشکلات مملکت را رفع کرد، آنها باید جور دیگر رفع بشود، حالا در عین حال در گرفتن وجوهات و اجازه ها باید تمام جهات را مراعات کرد.

نکته سوم: باید مسئولان دفاتر و کارکنان معلوماتشان را بالا ببرند، باید مثل خود بزرگانی که اهل این کارها بودند ولی معلوماتشان را هم بالا می بردند بالا ببرند، یعنی اهل مطالعه باشند، اهل مباحثه باشند،

کنیم، هر چه آگاهی و اطلاعات شما بیشتر شود، روح آزادگی و حریت هم در شما بیشتر می شود و اصلاً نگاه شما نسبت به همه چیز تغییر می یابد و روز به روز متکامل تر می شوید؛ با مطالعه است که انسان می تواند گره ها و شبهات جدید را جواب بدهد و دیرتر حاضر می شوید به تملق و خدای ناکرده در اثر سهل انگاری به تضعیف دین و آرمانها بزرگ تشیع رو آورید؛ هر چه معلومات پایین تر باشد، آدم زودتر دیشش را می فروشد، و زودتر آرمانهای بزرگ روحانیت را از یاد می برد، چون دستش به جایی نمی رسد، نه صنعتی دارد، نه ابتکاری دارد نه سواد، اما اگر سواد داشته باشد و اهل مطالعه باشد دیگران به او نیازمند، او به دیگران نیاز ندارد و بعد هم خوب می تواند حرف هایش را جابجایی کند، باید وجهه دوستان در دفتر وجهه ملاتر شدن، وجهه با فضل شدن باشد، اصلاً آنجا که نشستند اند یک

حولک، حالا اگر کسی به بنده هم بد می گوید، به شما بد می گوید، شما نباید تندری کنید، باید با زبان لین و نرم او را قانع کنید، والا صحبت کردن با آنها را رها کنید، مبادا در مسائل جزئی درگیر شوید. نکته پنجم: اینکه سعی کنید در دفتر مطالب شاذ و نادر گفته نشود. ممکن است شاذ نباشد، حالا نادر و شاذ بودن آن ممکن است از این جهت باشد که طرف نمی تواند عمق یک مسئله را بفهمد. خب وقتی نفهمد با ما دشمن می شود و عمرمان را هم تلف کرده ایم. البته استعداد انسانها هم مختلف است و مغزشان نمی کشد. یادم هست وقتی امام در رابطه با موضوع معاد بحث می کردند، برخی نمی فهمیدند و دشمنی هم می کردند، چون ظرفیت آنها به اندازه آن مباحث نبود، البته یا ممکن بود سواد قابل توجهی نداشتند و یا اینکه متحجرانه به مباحث نگاه می کردند.



و برای این است که در کارهایی هم که انجام می گرفته در زمان های سابق نسبت به روحانیون بزرگ، بنده هیچگاه توهین نکردم، ممکن است یک کار قانونی انجام داده باشم، اما هیچگاه زیانم به توهین و به بی احترامی باز نشده است، آنهایی که زبان هایشان به توهین و به بی احترامی باز شد، آنها الآن تا تملق نگویند،

هر چه ما معلوماًتمان بالاتر برود، بهتر می توانیم به اسلام خدمت کنیم. هر چه آگاهی و اطلاعات شما بیشتر شود، روح آزادی و حریت هم در شما بیشتر می شود و اصلاً نگاه شما نسبت به همه چیز تغییر می یابد و روز به روز متکامل تر می شوید؛ با مطالعه است که انسان می تواند گره ها و شبهات جدید را جواب بدهد

نکته ششم: به مجالس عزاداری و روضه خوانی اهمیت بدهید، سعی کنید کسانی را برای سخنرانی دعوت کنید که به اهمیت موضوع پی برده باشد و عمق این حادثه دلخراش را با جان و دل درک کرده باشد و آگاهانه به طرح مقتل بپردازد، نه اینکه با دگرگون ساختن صحنه کربلا و هدف بزرگ حسین بن علی (ع) به جعل و



تا دروغ نگویند، تا حيله نکنند، زندگی شان نمی چرخد. پس اگر من هستم به این خاطر است که به روحانیت و علما و به بزرگان دین و مردم احترام گذاشته ام.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بهشان عظمت داد، باید بهشان احترام کرد، دیدنشان رفت، باز دیدنشان رفت. نکته آخر اینکه، هیچ گاه به روحانیون توهین نکنیم، اگر بنده اینجا سر پاهستم و دارم راه می روم، برای این است که در زندگی به یک روحانی توهین نکرده ام،

نحوی می توانید، به مناقشات جزئی و اشکال هایی که بعضی از افراد ممکن است بکنند گوش ندهید، آنها خیلی مهم نیست. اما نکته آخر: تلاش کنید روحانیونی را که در بلادتان زمین گیر شده اند و دستشان به جایی نمی رسد رسیدگی کنید و به آنها برسید. من می فهمم آنها چه بر سرشان می آید، آنهایی که مثلاً از سنه ۲۵ آمده اند و آخوند شده اند تا حالا، دیگر دستشان به جایی بند نیست و منبری هم نمی توانند بروند، کسی هم با آنها ارتباطی ندارد، راهی ندارند، خب اینها را باید رسیدگی کرد. آنها بودند که مکتب اهل بیت را به مامعرفی کردند و انسانهای وارسته ای هستند. آن پیرمردان پاک و با صفا، آن زمین گیرها در حوزه های علمیه را رسیدگی کنید. امثال این افراد را باید

تحریف رو آورد. شما باید به این موضوع خیلی اهمیت بدهید. توجه و دقت شما، باعث جذب نسل جوان و آگاهی بیشتر آنها از قیام کربلا و اسارت خاندان پیامبر می گردد. در شرایط فعلی ما باید مجالس عزاداری را باشکوه برگزار کنیم و آن را با اهمیت تلقی کنیم و با جمعیت ها و علاقه مندان به اهل بیت برخورد مناسب داشته باشیم و اما بنعمه ربک فحذث. سعی کنید در مجالس عزاداری و روضه خوانی فقط وعظ و نصیحت باشد، همچون سنت بزرگان ما در قدیم. هیچ مسئله دیگری نباید در عزاداریهای ما وارد شود. مجالس ما باید پاک و مبرا از مباحث دیگر باشد، چون دیگران از آن سوء استفاده می کنند. به مجالس روضه اهمیت بدهید، هر جوری می توانید جلوه بدهید، هر جوری می توانید به آن عظمت بدهید، به هر

نگاه

در این جلسه نورانی حضرت آیه اله حاج سید محسن موسوی تبریزی به سخنرانی پرداختند و از مقام بلند و با عظمت حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) سخن گفتند و با استفاده از آیات و روایات به نقش عقل در حوزه زندگی پرداختند و آثار ارزنده استفاده از نیروی عقل را برشمردند و به شدت از عوام فریبی و استفاده ابزاری از دین و... انتقاد کردند.

سخنرانی آیت الله سید محسن موسوی از دین نباید استفاده ابزاری کرد

مراسم بزرگداشت سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) در منطقه مرکزی-اراک همچون سنوات گذشته بسیار پرجمعیت، با شکوه و با حضور علماء، روحانیون، ائمه جماعات، وعاظ، طلاب و اقشار مختلف مردم برگزار گردید.

دفتر قم:

خیابان شهید محمد منتظری - کوچه هشتم - پلاک ۴

کدپستی ۳۷۱۳۷۴۴۳۶۹

تلفن: ۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹ - ۷۷۴۴۷۶۷ - ۶۲ - ۷۸۳۲۶۶۰

نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۰۸۰

ایمیل: istifta@saanei.org



گزارش نامه داخل
دفتر روح علی قده
حضرت آیت الله العظمی صانعی

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۳۰ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹

سال اول / شماره ۳

www.saanei.org & istifta@saanei.org

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)

جامعه اسلامی، جامعه ایست که در آن حقوق همه

انسانها حفظ بشود و انسانها در راه رسیدن به حقوق

خود آزاد باشند و برابری، قسط و عدل در آن حکمفرما

باشد و هیچ گونه فشاری بر مردم وارد نگردد.

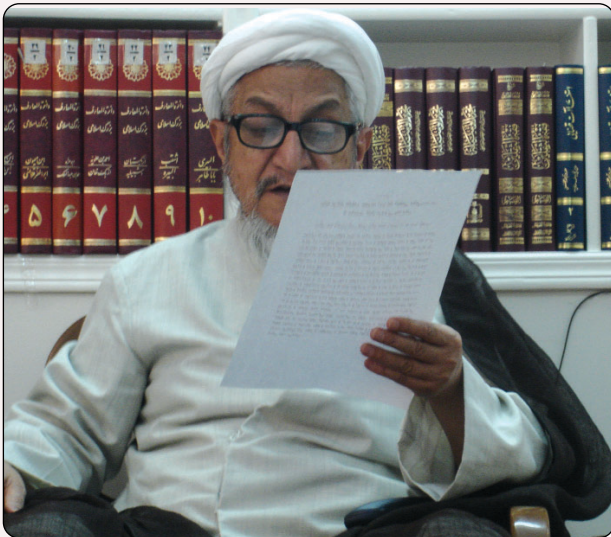
چکیده اندیشه ها، ص ۳۱

درج مقاله ها و تحلیل ها در راستای اطلاع رسانی و

ارتقاء سطح فکری می باشد و دلالتی بر تأیید آن نیست.

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)

مسئولین نظام، باید حافظ جان، مال و ناموس مردم باشند



جوایبه حضرت آیت الله العظمی صانعی
در پاسخ به آقای مهندس میر حسین موسوی در باره
مسائل پیش آمده در انتخابات اخیر ریاست جمهوری

بسمه تعالی
دوست مکرم و یار و فرزند امام خمینی (سلام
الله علیه)
جناب آقای مهندس میرحسین موسوی (دام
عزه)
بعدالتحیه والسلام
نامه دردمندان، انسانی، اسلامی و ایمانی
جنابعالی را دریافت کردم، امید آن داشتم که
انتخاب شما با کوله باری از تجربه و تعهد و
دعای امام امت (سلام الله علیه) و یاران با
وفایش، شادی مردم فهیم و آگاه ایران اسلامی
را دوچندان کند. اما صد افسوس که چنین
نشد، یقین بدانید که احقاق حقوق و احترام به
رای مردم و صیانت از انتخاب آگاهانه ملت که
در متن نامه شما به خوبی نمایان است تنها از
طریق آگاه نمودن همه انسانها و ادامه آن امکان
پذیر است.
و اگر می پنداشتم که با تذکر اینجانب گره ای
از مشکلات فعلی رفع می شد حتما به چنین
امر مقدس و لازمی اقدام میکردم، تا شک و
شبهه به وجود آمده در انتخابات و آرای مردم
مرتفع گردد.
لکن با همه مشکلات و شرایط موجود چون
باب دعا و توجه به خداوند بدون حجاب و
مانع است و در هر زمان بشر می تواند با او
ارتباط برقرار نماید برخود لازم می دانم که

برای شما و همه مردان و زنان این مرز و بوم و
استمرار اهداف مقدس نهضت و جمهوری
اسلامی امام خمینی (سلام الله علیه - که)
همان اسلام ناب طرفدار کرامت و حقوق
انسانهاست - دعا نمایم، برماست دعا و بر
اوست اجابت.
در خاتمه همه ملت را به آرامش و حفظ نظم
دعوت می نمایم تا بتوانند حقوق و مطالبات
خود را که از اعظم آنها رای و انتخابشان می
باشد از مجاری قانونی و آگاهی دهنده
عینیت بخشند.
و امیدوارم در این موقعیت حساس و بهت
زدگی جمعیت ها و توده هایی از مردم بتوانید با
توکل به ذات باری تعالی و حمایت توده های
مردم و دانشگاهها و روحانیون معظم از جمله
مجمع روحانیون مبارز تهران و مجمع محققین
و مدرسین قم - که همه آنها از بزرگان علم و
تحقیق میباشند. و صدها و هزاران بزرگ دیگر
از حوزه های قم و سایر حوزه های علمیه
(حفظها الله عن الحدثان) با حفظ طمأنینه
همیشگی، همبستگی و وحدت ملت و حقوق
آنها را تأمین نمایید که تنها عامل سعادت، اتحاد
و وحدت کلمه و کلمه توحید لاله الاله است.
دوشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۵ هجری شمسی
مطابق با ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۰ هجری قمری
قم المقدسه - یوسف صانعی

ابراز همدردی حضرت آیت الله العظمی صانعی
با خانواده قربانیان فجایع اخیر

بسمه تعالی
“وَلَئِنْ مُمَّتُمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَأَلِيَّ اللَّهُ تَحْشُرُونَ”
ضمن ابراز همدردی با خانواده های قربانیان فجایع اخیر و آرزوی سلامت و
بهبودی برای مجروحان بالخصوص دانشجویان فرهیخته و گرانقدر دانشگاه
تهران، شیراز، اصفهان و سایر شهرها که در جهت احقاق حق اعتراض کرده و
خواهان رفع شبهه از انتخابات و آرای خود. که حق آنان است. می باشند و ما
للناس فللناس تأسف و تأثر شدید و انزجار خود را از عاملین این حوادث
اعلام نموده و امیدوارم اهداف و خواسته های آنان از طرف مسئولین نظام، که
باید حافظ جان و مال و ناموس مردم باشند، به عینیت رسیده و از مرحله
خواستن به ظهور و تحقق نائل آید.

یوسف صانعی

۲۷ خرداد ۱۳۸۸

۲۳ جمادی الثانی ۱۴۳۰